



سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر

سلام کارگر



شماره ۳۸
بهار - خرداد ۶۰ ر.ب.ا

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۶۷

تنگنای محافظه کاران پس از انتخابات برلین

انتخابات سناي برلین که در آن حزب دست راستی اتحادیه دموکراتیک مسیحی و حزب مونسلف وی، دموکراتهای آزاد (لیبرالها) شکست سختی خوردند و حزب نشونای "جمهوریخواهان" به ستاره یافت را با بیدکی از بهترین حوادث سیاسی سال جدید در آلمان به حساب آورد، اهمیت این حادثه تنها به علت شکست پیش بینی نشده ائتلاف راست - میانه نیست، بلکه اساسا ناشی از آن است که تلاطمات داخلی گروه بندی های راست و شدت گرفتن گرایشات مختلف گریز از مرکز در آنها ناکامی و رسوایی های سیاسی و مالی پی در پی آنها و رشد بحران اجتماعی، بیکاری، مسئله مسکن و فقر - آشکارا روپنهان، زمینه های شدت ماسدی را برای رشد جریانات نشونای فراهم آورده که در برلین به راه یافتن آنها به سناي این شهر منجر شد. راه یافتن حزب ما فوق ارتجاعی و شونوئیست جمهوریخواهان " در صفحه ۱۴

ده سال بعد از قیام بهمن

یک دوره کیفی در حیات معاصر مردم ما است، ده ساله ای که تحولات عمیق و زیر و رو شدن همه چیز و بسط و انکشاف و تکوین مفروضات اجتماعی جامعه را در خود پرورده است. مرحله ای که اگر چه در طی آن کارگران و سازماندهندگان عمدتا به عقب رانده شده اند اما تجربیات بی بدیلی را در کوره مبارزه طبقاتی آزموده اند، و چنانچه دوران ده ساله که در آن خدا انقلاب حاکم در هیئت فقها، نتوانست سرش را حتی یک شب آرا مبر زمین بگذارد، در تمام این سالها بصورت مختلف با مردم رخ به رخ شد، هشت سال در کوره یک جنگ ارتجاعی دمید، خونهای ریخت از کشته ها پشته ساخت، اما دریغ از شایسته ای، اما این فقط رژیم فقها نیست که در این تب و تاب با لایوای شین میشود، عوارض این دوره به موازات و به همراه تحولات اجتماعی مهر خود را بر فعل و انفعالات همه جریا نهای سیاسی و فکری نیز کوبیده است، اگر مطلقا هیچ افق روشنی در برابر حکومت اسلامی قرار نداد، اما کمونیستها هم اگر در صفحه ۳

ده سال پیش در چنین روزها شی مردم ما، از زیر بار سنگین استبداد دقرون و اعما ر قد علم کرده و مشت بر آسمان کوبیدند، آنها خشم متراکم شده در هزاره های ستمشان و سلاطین را بر سر آ خرین تاجدار فروریختند، وجهش دمانه بود برای مردم گریه های آن "ا علی حضرت! و آنها بی آنکه خود پیدا نند دشمنان خویش را بردوش گرفته و به عرش پرتاب کردند تا انقلابشان مرده بیدار آید، اما همه ماسک و رنجهای شکست، همه آنچه که در این ده ساله نکبت با ر کشیده اند و کشیده ایم، به این تجربه می آرزو که با چشم خود دیدیم طوفان حرکت توده ها را، فروریختن مجد و عظمت حاکمان را، درهم کوفته شدن بساط اقتدار یک دستار زستمگران را و برهم خوردن نظم جزیره ثبات و آرامش را! راستی که چه تجربه شیرینی چه درس گرانقدری. این ده ساله نه یک دهه همچون دهه دهها، که

زندگی و مبارزات پناهندگان

- اعتراض به اخراج پناهندگان در هامبورگ - آلمان غربی
- درخواست حمایت از پناهندگان بلوچ استکهلم - سوئد
- اعتصاب غذا زاربروک - آلمان غربی در صفحه ۹

سمینا رتشکل
مستقل زنان در اروپا

درباره سازماندهی جنبش دانشجویی

گره گشایی به سبک آخوندی

رژیمی که خود را "بزرگترین و قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام" میداند، رژیمی که خود را "گره - گشای مشکلات اساسی بشریت" (خمینی در پیمایش گورباچف) میخواند غرق در ناسامانی است. رژیمی که ده سال تمام از آسیاب حکومتش خون میریزد و کارنامه ای جز ننگ و نفرت ندارد، تسازه متوجه شده است که "کشور دچاری قانوسی است" و در جامعه "فساد، خیانت، رشوه، دزدی، اختلاس و سوء - استفاده های کلان مالی غوغا میکنند و روز به روز شیوع و گسترش بیشتری یابد" (هاشمزاده نماینده تبریز در مجلس - ۲۵ دیماه) در صفحه ۲

"شب شعرو موسیقی"
در همبستگی با زندانیان سیاسی در صفحه ۹

فرا نكفورت تظاهرات بزرگ برای آزادی زندانیان سیاسی

در اعتراض به قتل عام زندانیان سیاسی و بمناسبت بزرگداشت خاتره شهدای جنبش همزمان با سالگرد قیام بهمن بدعوت کانون ها و تشکلهای دموکراتیک ایرانی در آلمان غربی روز شنبه ۲۲ بهمن یک راهپیمایی سراسری برگزار گردید. راهپیمایی و تظاهرات نزدیک به یک هزار شرکت کننده که از سراسر آلمان گرد آمده بودند از میدان پائول آگاز شد و راهپیمایان در صفوف منظم پس از طی چند خیابان در سالن اجتماعات اتحادیه های کارگری آلمان (دیگ - ب) اجتماع نمودند! در مسیر راهپیمایی شعارهای زندانی - در صفحه ۸

گفتگو با گرم خلا
در صفحه ۷

اخراج پناهندگان ایرانی را متوقف کنید!
در صفحه ۱۵
نگاهی گذرا به فیلم
"مهمانان هتل آستوریا"
در صفحه ۱۲

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

گره گشائی به سبک آخوندی

مسئولین رژیم پس از صدها هزار کشته در جنگ و اعدام و کشتار ریه در تاریخ صدساله ایران بسی - سابقه است، به این نتیجه رسیده اند که "اعتقاد به قانون و عدم ضرورت اجرای آن بصورت امری عادی و طبیعی در جامعه درآمده است و عملاً قانون به یک شیئی لوکس و غیرارزشی تبدیل شده است" (منظوری معاون وزارت خارجه - کیهان ۲۹ دی) و اولین امری است طبیعی، به این دلیل ساده که اصل اول حکومت اسلامی یعنی ولایت فقیه مساوی است با بی قانونی برای نمونه به جریان برنامهدار تلویزیونی که در رابطه با "روز زن" در جمهوری اسلامی پخش شده توجه کنید، تنها به صرف اینگونه زنی در خیابان به مباحثه گرفته که نمی خواهد چون فاطمه زهرا زندگی کند، خشم "ولی فقیه" برانگیخته میشود و تمام تهیه کنندگان و دست اندرکاران برنامه به زندان کشیده میشوند، حال با این وصف که فراوان در رژیم فقها به چشم میخورد مجسم کنی - هیاهوی آزادی احزاب و فعالیت سیاسی و در خواستهای سالوسا نه برای بازگشت مهاجرین ایرانی را!

بدارآویختن دسته دستها از معتادان و قاچاقچیان حربه دیگری است از ابتداءات رژیم در این راستا، به این بهانه که اعتبار قوه قضائیه را به رخ مردم بکشد، از آن نیم برده هائی که هزار چندگاه برای مرعوب کردن روحیه اجتماعی بنمایش میگذارد و از آن دست عوام فریبیها که بقصد رضای عوامل سرکوبگر خود و برای حل منازعات درونی بکار میگیرند، انگار میتوان معضلات و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران را که در حصار سرمایه داری محبوس گشته و با آن در تنیده است، به قتل عام محل کرد، آنهم در شرایطی که "عده" ای از مجریان اعمال قوه قضائیه و اجرائی، همیشه با سو استفاده چی ها کنار آمده "نمایشنده جبرفت در مجلس - کیهان ۲۹ دی) و با اصل "هستند اکثر دست اندرکاران و گاهی مقدس ترین افراد و مراکز در منجانب فساد دزدی و سوء استفاده های مالی" (هاشمزاده نما بنده تبریز در مجلس ۲۵ دیماه) ارتجاع مسلط بر ایران در شرایطی دم از قانون و قسوه قضا ئیه میزند که خود ده سال است حق زندگی کردن را از مردم سلب نموده است و قوه قضائیه آن در طی این مدت تنها در "دادگاههای انقلاب" و آنهم در اعدام و شکنجه و کشتار تیلور یافته است.

در طی این ده سال برای حفظ "انقلاب اصیل" جوی خون راه می اندازد تا عقربه های زمان را به محدوده تنگ و تاریک و نمور ذهن خویش بکشانند و این راه است که دست و پا بریدن و سنگسار، شکنجه - های قرون وسطائی یا تعدیر هدیه ای میگردند - آسمانی تاجان همه آتانی را بگیرد که نمی خواهند به شیوه پاسداری فقها از نظم بحران زده و نکبت بار

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی

درباره اخراج رفیق بابا علی از سازمان

کمیته مرکزی سازمان در پلنوم ۱۰ بین باتفاق آرا به عضویت رفیق بابا علی در کمیته مرکزی و در سازمان خاتمه داد. دبیرخانه سازمان لازم میداند علل اخراج رفیق بابا علی از سازمان را باطلاع عموم برساند.

کمیته مرکزی سازمان با ایجاد کمیسیون برنامه، کار تدارکاتی برای تدوین طرح برنامه سازمان را در دستور کار خود قرار داد. پیش نویس طرح برنامه سازمان در فروردین سال ۶۶ منتشر شد و مباحثات علنی از طریق بولتن های برنامه آغاز گشت. متعاقب تدوین طرح برنامه، کمیته مرکزی سازمان کمیسیونی را مامور تدوین طرح جدید اسانامه سازمان نمود و تصمیم گرفت مباحثات اسانامه ای نیز همچون مباحثات برنامه به شکل علنی انجام شود. کمیسیون مامور تدوین اسانامه جدید سازمان پس از اتمام کار خود طرح پیش نویس جدید را آماده نمود و براساس تصمیم کمیته مرکزی این پیش نویس به شکل علنی منتشر شد. در پیش نویس مزبور در نکات مورد اختلاف نظر اقلیت کمیسیون نیز در کنار نظر اکثریت آن آورده شده است. نکته اصلی مورد اختلاف در پیش نویس اسانامه اختلافی است که بر سر چگونگی سازماندهی مباحثات سازمانی وجود دارد. دفتر سیاسی پس از پایان کار کمیسیون تصمیم گرفت اولین بولتن اسانامه به مباحثه در باره مسئله اصلی مورد اختلاف در کمیسیون یعنی چگونگی سازماندهی مباحثات سازمانی اختصاص یابد. در این میان رفیق بابا علی (از اعضا سابق "راه فدائی") که یکی از مدافعان نظر اقلیت کمیسیون اسانامه میباشد در مقاله خود ضمن دفاع از نظریه درباره آزادی بی قید و شرط مبارزه ایدئولوژیک علنی مطالب دیگری مطرح ساخته بود (مانند انطای نقش بیانیه وحدت سازمان و راه فدائی در سال ۶۳ و عملکرد سازمان در عرصه مبارزه ایدئولوژیک علنی) که اولاً ارتباط مستقیم با موضوع مورد مباحثه نداشت ثانیاً مباحثات را به سطح منازعات فرقه ای تنزل داده و به فضای رفیقانه مباحثات لطمه وارد میساخت. دفتر سیاسی از نامبرده خواست تا عرصه هائی را که ارتباط مستقیم با موضوع مسیورد مباحثه ندارد از مقاله خود تفکیک سازد و این مطالب نیز در نرون سازمان به مباحثه نهاده شود. اما وی از موضع انضباط شکنانه حاضر به تبعیت از نظم معمول توسط کمیته مرکزی در سازماندهی مباحثات نشده و اعلام کرد بی قید و شرط بودن مباحثه ایدئولوژیک برای نامبرده یک پرنسپ فیو قابل عدول است و نظیر مخالف را در چهارچوب وحدت های حزبی نمیداند. دفتر سیاسی که طبعاً نسبتاً ناست انضباط شکنی و بینش فرقه ای و انشعاب طلبانه وی در باره وحدت های حزبی موافقت نماید اختلاف بروز نموده را به کمیته مرکزی ارجاع نمود. اما وی جلسات کمیته مرکزی و کفرانی مشورتی دعوت شده توسط مرکز است. سازمان را بایکوت نمود و تلاش کرد از طریق تهدید به انشعاب اراده خود را به کمیته مرکزی سازمان تحمیل نماید. پس از به بن بست کشاندن تمام تلاشهای کمیته مرکزی نامبرده همراه همفکران سابق خود (از راه فدائی سابق) فراکسیون ضد تشکیلاتی علیه مرکزیت سازمان بوجود آورد و همراه با چند نفر از رفقای انضباط شکن مبادرت به ضبط اسناد سازمانی، پخش مخفیانه جزوه و نوار و سایر اقدامات گسترده فراکسیونستی در جهت سازماندهی علی انشعاب نمود. بالاخره فراکسیون نامبرده در تاریخ ۶ بهمن با ارائه یک پلاتفرم گروهی بنظیر تحمیل شرایط انحلال طلبانه خود فعالیت انقلابی سازمانی را متوقف ساخته و به کمیته مرکزی اعلام اولتیماتوم نمود. پلنوم فوق العاده ۱۰ بهمن کمیته مرکزی رفیق بابا علی را بخاطر نقض اصل تبعیت اقلیت از اکثریت و انضباط شکنی، عدم پیروی از نظم معمول توسط کمیته مرکزی در مباحثات سازمانی، ایراد اتهامات ناصداقانه و ناروا به کمیته مرکزی و سیاستهای اصولی و عملکرد سازمان (علیرغم آنکه خود وی در اکثر تصمیمات متخذه مشارکت داشته و تا این لحظه نظر مخالفی ابراز نداشته بود) به بیانیه بحثهای تدارکاتی کفرانس، ایجاد فراکسیون ضد تشکیلاتی و مبادرت به اقدامات فراکسیونستی و توقف فعالیت انقلابی سازمانی باتفاق آرا از عضویت در کمیته مرکزی و سازمان اخراج نمود و عضویت مجدد وی را مشروط به انتقاد از کلیه اقدامات فوق کرد. کمیته مرکزی همچنین تصمیمات مقتضی در باره سایر اعضا فراکسیون و انضباط شکن اتخاذ کرد.

مرکزیت سازمان تمامی تلاشهای خود را برای حل این اختلاف در چهارچوب موازین حزبی بعمل آورد زیرا به نتایج مخرب اقدام انشعابگرانه رفیق بابا علی کاملاً واقف بود. اما سازمان ما که در یکی از بدترین شرایط سرکوب ضدانقلابی فعالیت میکند و دارای سنت دهساله قهرمانانه در مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم علیه ارتجاع حاکم است، هیچگاه جایز ندانسته و جایز نمیداند به انضباط شکنی، فراکسیونستیم و فرقه بازی روشنفکرانه مجال بروز دهد. رفیق بابا علی با اقدامات خود نشان داد که از نظر وی منبازره ایدئولوژیک مبین گسست در اعمال اراده تشکیلات کومونیستی، تدارک انشعاب و ایجاد تشکیلات در داخل تشکیلات است. او ترجیح داد از انضباط و سازمان بیولتری گریزان شده و منافعتنگ محفل خود را بر فراز پرنسپهای لنینی حزبی قرار دهد.

دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۵ بهمن ۱۳۶۷

ده سال بعد از قیام بهمن

صفوف درهم رفته "چپ" همچون تفکیک صفوف طبقات جامعه که در پیش روی ما در جریان است جز به تقویت پرولتاریا در یک تجدید آرایش که از طریق صیقل یا فتن خطوط نظری، همگرا شیها و نه با تقویت نیروی با زما نگر طبقه، نمی آید. ما بین روندی است تکاملی و ناگزیر، اما روندی است که بصورت خودبخودی به نتیجه محتوم نمی رسد. بلکه نیاز به حرکت و دخالت فعالان و آگاهان همه آتانی دارد که با اعتقاد دیا برجا به انقلاب کارگری و راه اکتبر کبیرا ما ده و توانا برای برخورد با مشکلات و مسائل نوین و ارائه پاسخهای مناسب برای حل انقلابی بحرانها هستند. و در همه حال کمونیستها که جز در پیوند با طبقه کارگر بجای نمی رسند، به این نیروی لایزال می اندیشند و برای مقابله با تنگناهای کنونی نیز بآن روی می آورند. درهم آمیزی با طبقه کارگراسی ترین مبنای رشد و بقای کمونیستهاست و از سوی دیگر پرولتاریا را برای ایفاء نقشی که برایش مقدر شده توانا می سازد.

اگر بهمن ۵۷ نشانه نگر نقش تعیین کننده طبقه کارگر ایران در سقوط سلطنت بود، انقلاب بعدی جراتخواه ندبه قدرت با بی پرولتاریا منتهی شود. قدرتی که جا معرا در دستروسیسترین دمگراسی شکوفا کرده و بر پرچم آن کمونیسم حک شده است. به این پرچم دل بسپاریم!



گره گشایی به سبک آخوندی

سرما به داری ایران گردن گذارند، امروز در ایران حکومتی فرمان میراند و شمشیر از نیا میر کشیده است که سلسله مراتب روحانیت جای هرگونه قانونی را گرفته است و با وجود این قانونی قانون دیگر صحبت از آزادی و برابری زن و مرد، حقوق زن در اجتماع، علم، اندیشه و بیان، آموزش و پرورش، حق ملی و فرهنگی و حتی آزادی مذهب و کلا نچه رنگ و بوی انسانیت دارد، چیز بیهوده ای است. هر روز قانونی وضع میگردد بدون اینکه اجرا گردد و بیاض من اجرائی داشته باشد و فردا خود بر علیه آن قانون میشوند، فقها اول حکم را صادر میکنند بعد برای آن قانون می نویسند.

مردم رنج دیده ما امروز به دفاع از آن حقوق زندگی برخاسته اند که حداقل ده سال است خون آشا مترین رژیمهای غرب آنرا قبول کرده اند. کارگران و زحمتکشان ما در عمرا بین رژیم نه تنها چیزی عایدشان نگشت بلکه بسیاری از ره آورد های سالها مبارزه خویش را نیز از دست داده اند. بحران سرمایه، اختناق اجتماعی - سیاسی برآمده از حیات این رژیم چیزی نیست که باور آن باشد. این عبای دیرپا زودتر نش در پیده خواهد شد.

اشتباه با سنگ خاری انقلاب کارگری و میرفته - اندو مستقیم ربه سوی سرما به آورده و مجیزگویی ظرفیتهای آن میشوند. بخشهای بزرگتری امسال نتایج یا خود را به راه اکتبر میرسانند و با نفی جزئی و کلی آن علیه کمونیسم ایستاده و به خیال سوسال دمگراسی می پیوندند، آنها نکه هیچگاه بهائی برای آزادی قابل نبودند، به در بزرگسی "دمگراسی" و با ادعای کپک زده "تارس بسودن شرایط برای انقلاب اجتماعی" و "تکست انقلابات شتابزده" پشانی بر آستان سرما به داری می - ما بیند، و این مسیری است که ما را شاطلی ارتداد از آن میگذرد. اینها که از صف انقلاب کارگری جدا میشوند چون در وضعیت بحران عمیق مملکت ما نمی توانند مستقلا بدیل حکومتی باشند، تبدیل به کارگزاران و کارکنان قدرتهای فدکا رگری خواهد شد.

اگرچه موج ارتداد دلبندانست و بظا هر به اکتبر و لنین می تازد، اما خلعت های بحسبران کنونی جز بلوغ را نشان نمیدهد، و این همسازد تکست را هم در همین دوره تجربه میکنیم، تجزیه

در دنیا بیم که در کجا ایستاده ایم و بر چه پایه ها نسی با بدتکیه کنیم و اگر متوجه نشویم که صف نیروهای کارگری را چه آفتی تهدید میکند، نخواهیم توانست بعنوان سازمانگران طبقه اصلی جامعه، آرا بسوی قدرت سیاسی هدایت کنیم.

واقعیت آن است که عواقب شکست انقلاب دامنگیر نیروهای هوادار را طبقه کارگر و آرمانیها ی پرولتری که در طیف عمومی چپ قرار دارند نیز شده است. این شکست بخشهایی از نیروهای این طیف را، که عمدتاً فاقد ارتباط زنده با طبقه مورد نظر خود بوده و با سایر ریشه در طبقات میانی جامعه دارد، به یاس و فرورفتن در خود دچار کرد. بر بسترجنین وضعیت و به همراه طیف بندی و تحولات لایه های جامعه، نیروهای این طیف بطور ناگزیر به با زیبایی خود می پردازند، و از همینجا شکاف آغز شده و به پیش رانده میشود، و این روند ما دفاع است با خود افشای گری حزب کمونیست شوروی از تنگناها و انحرافات موجود قدیمی جامعه سوسالیستی که این بحثها به تیر خلاصی بر ذهنهای ترک خورده می نشیند، بخشی درمی با بند که به اردوی کار تعلق نداشته و به

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمگراتیک خلق!

درباره سازماندهی جنبش دانشجویی در خارج از کشور

جا یگانه جنبش دانشجویی

زمینه های کار سازماندهی کدا مند؟

ما در مقاله "مقدمه بررسی جنبش دانشجویی" درج شده در پیام کارگر (۲۹) سعی کردیم که زمینه های و ولیه بحث درباره سازماندهی جنبش دانشجویی را ترسیم کنیم. اکنون می بایست زمینه های عینی جنبش، موانع سازماندهی آن و از همه مهمتر - پلاتفرم ما برای این سازماندهی طرح و تدقیق شود. در گام اول ما می بایست به آشنایی معمول در میان نیروهای چپ و دموکرات در مورد جا یگانه جنبش دانشجویی و جنبش دموکراتیک بطور عام بپردازیم. در این آشنایی کدا ما است؟ تلقی رایج در میان نیروهای جنبش درباره جنبش دانشجویی (و دموکراتیک) بر در هم ریختن مفهوم کار حزبی و کار دموکراتیک و یکسان نمودن شکل حزبی و شکل غیر حزبی استوار است. بر مبنای این درک در عمل تفاوتی بین یک جنبش دانشجویی و یک

سازماندهی جنبش دانشجویی در خارج از کشور در شرایط حاضر قبل از هر چیز محتاج بررسی عینی وضعیت این جنبش، گروه بندی های دانشجویی و

رژیم گذشته را پذیرفته است صرف نظر کنیم، در کشور - هائی نظیر آلمان، انگلستان، سوئد، کانادا و دانمارک انبوهی از ایرانیان مهاجریافت می-

تلقی رایج در میان نیروهای جنبش درباره جنبش دانشجویی (و دموکراتیک) بر در هم ریختن مفهوم کار حزبی و کار دموکراتیک و یکسان نمودن شکل حزبی و غیر حزبی استوار است. بر مبنای این درک در عمل تفاوتی بین یک جنبش دانشجویی و یک حزب سیاسی وجود ندارد. هر دو بر اساس مرزبندیهای ایدئولوژیک بوجود می آیند و بنا بر این در بهترین حالت جنبش دانشجویی "هوادر" این یا آن سازمان سیاسی است.

شوند که از نظر گروه سنی و سابقه سیاسی و - دلائل مهاجرت وضعیت مشابهی دارند. مثلاً در کشور آلمان فدرال متقافیان پناهنده کی تا سال ۱۹۸۶ سالانه بطور متناوب چندین بار برنده اند (جدول ۱)

بررسی گروههای سنی پناهندگان فوق در این کشور نشان میدهد که تا پایان سال ۱۹۸۶ حداقل ۵۶ هزار ایرانی از سنین ۱۸ تا ۵۵ سال وجود دارند (جدول ۲).

جدول ۲

گروههای سنی پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال ۸۶-۱۹۸۴

پناهندگان ایرانی در سال	۳۰-۵۵ سال	جمع سال ۱۹۸۶
سال ۱۹۸۶	۱۳۹۰۰	۲۳۰۰۰
سال ۱۹۸۷	۲۶۹۰۰	۳۹۰۰۰
سال ۱۹۸۸	۲۸۳۰۰	۴۹۰۰۰
سال ۱۹۸۹	۳۰۰۰۰	۵۵۰۰۰
سال ۱۹۹۰	۳۰۰۰۰	۵۵۰۰۰

افزایش تعداد پناهندگان ۸۶-۱۹۸۴	۷۸۰۰	۱۴۳۰۰	۱۰۸۰۰	۱۷۰۰
--------------------------------	------	-------	-------	------

اگر توجه کنیم که از مجموعه ۷۲ هزار پناهنده تنها حدود چهار هزار نفر آنها بالاتر از ۵۵ سال دارند و با توجه به اینکه اکثر پناهندگان در گروه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال قرار دارند، آنگاه میتوان به جرات گفت که با در نظر گرفتن عواملی نظیر مشکلات یافتن کار و جذب شدن در جامعه و نیز سایر مشکلات اجتماعی و فرهنگی پناهندگان، توجه بیشتر به تحصیل یکی از اصلی ترین گرایشهاست پناهندگان می باشد. این توجه درباره ای از کشورها که مشکلات کاررایی و جذب در جامعه دارند است. هم اکنون موسسات آموزشی را با انبوه متقافیان ایرانی روبرو ساخته است.

خواستهای آنهاست. این گروه بندیها کدا مند و چه خواستهائی میتوانند محمل متحد کردن آنها را فراهم آورند؟ اگر از اقلیت کوچکی از دانشجویان که از قبل از انقلاب و یا در سالهای نخستین پس از انقلاب به خارج آمده و تحصیل میکنند صرف نظر کنیم، دانشجویان ایرانی در خارج از کشور را میتوان به گروه اصلی تقسیم نمود. نخست پناهندگان دانشجویی معمولاً دلائل سیاسی پناهنده شده و پس از پایان یافتن مقدمات پناهنده گی به تحصیل و یا ادامه تحصیل روی آورده و می آورند و دوم دانشجویان غیر پناهنده که غالباً بصورت قوتی و بعضاً حتی با در اختیار داشتن امکان ارز دولتی به تحصیل اشتغال دارند.

جدول ۱

پناهندگان ایرانی در آلمان فدرال ۸۶-۱۹۸۳

سال	تعداد افزوده شده به سال قبل	تعداد متقافیان پناهنده گی
۱۹۸۳	۸۰۰	۱۱۹۰
۱۹۸۴	۵۳۸۶	۲۶۵۸
۱۹۸۵	۱۲۹۱۹	۸۸۴۰
۱۹۸۶	۲۱۶۲۲	۲۱۷۰۰

از آغاز سال میلادی ۱۹۸۳ به این سو، شمار پناهندگان ایرانی به نحو قابل ملاحظه ای روبه افزایش نهاد. این افزایش با به پای تشدید سرکوب و نیز فشار رژیم اسلامی برای سر بازگویی جوانان و نوجوانان صورت گرفته و در پاره ای از کشورها منجر به شکلگیری اقلیتهای بزرگی از مهاجرین ایرانی شده است. اگر از کشور آمریکا که از قبل از سال ۸۳ بخش بزرگی از مهاجرین طرفدار

حزب سیاسی وجود ندارد. هر دو بر اساس مرزبندیهای ایدئولوژیک بوجود می آیند و بنا بر این در بهترین حالت جنبش دانشجویی، "هوادر" این یا آن سازمان سیاسی است. بدیهی است که جنبش جنبش دیگری بطور خاص یک شکل توده ای نیست، بلکه سازمان هوادارانی از یک خط سیاسی معین است که صفت دانشجویی به نادرست یدک میکنند. حال آنکه اگر یک سازمان سیاسی بر اساس برنامه حزبی بوجود می آید و بنا بر این شکلی ایدئولوژیک - سیاسی است. یک سازمان دموکراتیک و توده ای بر اساس یک پلاتفرم دموکراتیک بنا میشود و ضمن اینکه بلحاظ سیاسی جنبش و بیطرف نبودن، اما شکلی ایدئولوژیک - سیاسی نیز نیست. تشکیل دانشجویی، سازمان متحدکننده همه دانشجویانی است که صرف نظر از تعلق و کار پیش سیاسی و ایدئولوژیک خود، پلاتفرم معینی را برای اهداف خودبسته عنوان دانشجویی پذیرند. این شکل به هیچ وجه غیر سیاسی نیست - حتی اگر دست نشانده و فرمایشی باشد - بلکه همیشه در راستای سیاسی معینی پیکار میکند. به نظر ما توده دانشجویان با همه تنوع در گرایشها و سیاسی آنها، میتوانند بعنوان جزئی از جنبش دموکراتیک و برای خواسته های مستقیم و دمکراتیک، برای حقوق ویژه خود و برای آزادی و دموکراسی متشکل شوند. هر نیروی سیاسی حق دارد در درون جنبش جنبشی برای تحقق پلاتفرم خود مبارزه کرده و بصورت متشکل - یعنی فراکسیون - عمل کند. کمونیستها نیز در این جنبش شرکت نموده و بسا پذیرش چارچوب عمومی آن و بسودن نقض این چارچوب سعی در تحقق نمودن اهداف خود می نمایند. ما در مورد وظایف فراکسیون کمونیستی در جنبش دانشجویی بعداً به تفصیل خواهیم نوشت و در این مقاله به اشاره ای گذرا بسنده میکنیم.

این متقاضیان خودبعضوان پناهنده و دانشجویان مل فعلی سیاسی که هم اکنون نیز با گروههای سیاسی را بیطه داشته و با فعلی سیاسی که فاقد چنین رابطه ای هستند میشود، این دو گروه از دانشجویان که احتمالاً کثرت دانشجویان

دادن عملی به گرایش است، از این روبه لحاظ عملی ما کار خود را ولو با چند نفر شروع میکنیم بدون اینکه به مبارزه ایدئولوژیک حول پلاتفرم خود کسم بپردازیم، این امر را هنمای فعلیت رفقای ما در این دوره است.

پلاتفرم دانشجویی ما با توجه به دو اصل زیر تنظیم میشود: نخست اینکه پلاتفرمی است برای متشکل نمودن دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و بنا بر این می بايست خواسته های آنها را به صراحت فرموله کند و دوم اینکه این پلاتفرم می باید با توجه به جایگاه جنبش دانشجویی بعنوان جزئی از جنبش دمکراتیک مردم ما تنظیم شود.

محورهای یک پلاتفرم برای

سازماندهی جنبش دانشجویی

پلاتفرم یک حرکت دانشجویی همچون هر حرکت توده ای بر اساس خواسته های مستقیم آنها شکل میگیرد، این پلاتفرم برای متشکل نمودن دانشجویان ایرانی در خارج از کشور می بايست خواسته های آنها را به صراحت فرموله کند، محورهای اساسی این خواسته های مستقیم بر زمینه زندگی خود دانشجویان در کشورهای میزبان و مسائل و مشکلات مربوط به زندگی در ایران، متکی است، مشکلات مربوط به زندگی دانشجویان در محل تحصیل مجموعه مسائل مربوط به زندگی در کشورها را شامل میشود که بطور کلی به نیازهای دانشجویان ایرانی و خارجی هر کشور بر میگردهد و زوی دیگر در برگیرنده خواسته های مشترک کلیه دانشجویان در هر کشور است، که این جنبه ها با عت همراهی و پیوند با مبارزات دانشجویان ملل دیگر میشود، دسته دیگر از مسائل دانشجویان در هر کشور را رجوع به فاشیست است که بطور عموم بر همه کشورهای میزبان، خصوصاً در کشورهای اروپایی، وارد میشود، دفاع از حقوق دانشجویان و پناهندگان برای دانشجویان در حقیقت دفاع از منافع خود آنان است، و به این اعتبار در لیست خواسته های مستقیم آنان جای میگیرد، محور دوم مسائل مبارزات سیاسی دانشجویان و مسائل و مشکلات زندگی سیاسی و اجتماعی مردم میهنمان است، دانشجویان بمثابه یک لایه آگاه اجتماعی همیشه نسبت به وقایع و تحولات محیط خود حساسند، آنها در دوره زندگی دانشجویی خود در مرزهای سیاسی ترین بخشهای مردم هر کشورند، امری که در او کتشیهای دانشجویان ملل مختلف، از جمله در کشور خودمان، نسبت به سرنوشت سیاسی کشورشان و پروژهای هر روز جاریان دارد، بنا به ماهیت و خصالت این قشر، مسائل دمکراتیک بیش از هر موضوعی مورد توجه آنان قرار میگیرد، مطالباتی که با یک حرکت نقشه مند میتوانند در خدمت مبارزه انقلابی و همسویا جنبش کارگری هم قرار گیرند، اگر چه این محور بخودی خود نمیتواند مبنای شکل توده ای دانشجویان قرار گیرد اما رابطه آن با محور اول و تقدم آن در مسیر حرکت جنبش

دانشجویی و در انطباق با سیر عمومی مبارزه توده ای در کشورهای میزبان، بنحوی که حتی نتایج شما در سرنوشت حکومت، که هم اکنون نیز قابل طرح در این شکلهاست، بلکه همسوی و پشتیبانی از برنامهای انقلابی پرولتری نیز در مقاطع معینی از جنبش میتوانند بعنوان مبنای حرکت این شکلها قرار گیرد، اما در هر صورت در این نوع تشکلهای همچون هر تشکل توده ای اتحادیه ای، این دست از مطالبات بعنوان زمینه ملی شکل گیری این جنبش تلقی نمیشود، بطور خلاصه آنچه گفته شد بصورت زیر دستهبندی میشود:

الف - خواسته های مربوط به زندگی دانشجویان در کشورهای میزبان

- مسائل صنفی و رفاهی عمومی دانشجویان از قبیل مسکن، هزینه تحصیل، امکانات آموزشی و...
- مسائل خاص دانشجویان خارجی و ایرانی از قبیل تسهیلات دریافت ویزا، تسهیل شرایط پذیرش، هزینه تحصیل و...

- درخواستهای مربوط به عموم دانشجویان از قبیل حق رای در انتخابات، امکانات آموزشی و فرهنگی ویژه و مسائل مربوط به پناهندگان و...
خواسته های فوق در هر کشور و هر موسسه آموزشی می باید بطور مشخص تدقیق شوند.

ب - خواسته های مربوط به مسائل زندگی در میهن دانشجویان

- دفاع از مبارزات دانشجویان در داخل و همبستگی با آنان

- دفاع از آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم، گارانتی آزادی و نقض آزادی و حقوق دمکراتیک در ایران، دفاع از مبارزات مردم پاره ای از خواسته های فوق نظیر آزادی و حقوق دمکراتیک همیشه مطرح بوده و پاره ای دیگر با توجه به شرایط می باید برجسته شوند؛ مثلاً در مورد کشتار زندانیان سیاسی، سرکوب خلق کرد، نقض حقوق زنان و غیره.

تا اینجا تلاش کردیم که تصویری عمومی از جایگاه جنبش دانشجویی، زمینه های کار سازمان - گرا نه در آن، مواضع این کار و خطوط عمومی پلاتفرم ما برای این جنبش را ترسیم کنیم، آنچه که هنوز می باید تدقیق این است که در این مرحله به چه اشکالی و با چه شمارهای میتوان فعلیست سازمان را به پیش برد، با در نظر داشتن تصویر عمومی فوق شکل سراسری و وسیع دانشجویی و نیز هرگونه تشکلهای توده ای و قدرتمند در شرایط فعلی به سهولت ایجاد نمی شود، آنچه که عملی است ایجاد هسته های دانشجویی می باشد که ولو با کمیت محدود میتوانند شکل گرفته و ضمن فعلیت عملی - حصول خواسته های مستقیم، به تبادل نظر و جلب سایر دانشجویان نیز بپردازند.

خواسته های فوق شامل درخواستهای صنفی نظیر پذیرش، حمایت مالی، مسکن، ویزا و اقامت، و درخواستهای سیاسی از جمله دفاع از جنبش

تسهیلات دولتی برای ایجاد مدارس غیردولتی

● در پی اتخاذ سیاست "مشارکت مردم" در امور که تا آنه آموزش و پرورش نیز کشیده شده است، نخست وزیر رژیم اعلام نمود که "دولت قویا از گروه های مالی که در زمینه تعلیم و تربیت وارد عمل شوند حمایت خواهد کرد" وی میزان حمایت را "تسهیلات مالی از طریق کمک بانکها و از طریق تسهیلات تدارکاتی و واگذاری زمین و اینگونه موارد اعلام نمود. (کیهان ۱۷ دی)

در همین مورد وزیر آموزش و پرورش گفت "در

طول ۱۵ روز گذشته ۲۶۱ نفر برای دریافت پرسش نامه تا سیس مدارس غیرانتفاعی مراجعه کرده اند که از این تعداد ۱۵۰۰ نفر از دستگا های فرهنگی کشور هستند" (کیهان، شماره فوق)

مسئولین رژیم در شرایطی آموزش و پرورش را در اختیار بخش خصوصی قرار میدهند که بیلان ورشکستگی شان یک میلیون و ۸۰۰ هزار رکودک واجب التعلیم را شامل میگردد که نتوانسته اند به مدرسه راه یابند و مدارس چهار رتوبته و کمبود کلاس و معلم ...

شگردهای فقا هنتی

مجا زندگی هر نقطه کشور که میخواهند تماس تلفنی مجانی برقرار نمایند، بدنبال آزمایش فقاها از این شگرد تبلیغاتی که هدفی جز جلب مردم و کثافت شدن عده بیشتری به نام جامعه که دیگر روز به روز از تعداد شرکت کنندگان در آن کاسته میشود، نیست. فقاها به شگرد "تلگراف ملواتی" نیز رو آورده اند و اعلام نموده اند که در چند جمعه بهمن ماه همه شرکت کنندگان در نماز جمعه میتوانند از تلگراف مجانی استفاده نمایند.

۴۰ هزار کارگر هر سال معلول می شوند

● در جمهوری اسلامی آنچه ارزش ندارد جبران آدمی است. اما روحش تنگ کشته ها در جنگ، اعداها، تلفات سوانح ... دلیل گویای است برای امر و طبیعی است در چنین رژیمی جان زحمتکشان بی ارزشتر از همه است. برای مثال طبق گفته های مسئولین رژیم "در حال حاضر اصول بهداشت حرفه ای و ایمنی صنعتی بطور صریح و روشن در قانون کار پیش بینی نشده است" و در همین رابطه است که "بر اساس آمار سازمان تامین اجتماعی از ۲۰۰ هزار نفر کارگر کارخانجات سالانه ۶۰ هزار نفر دچار حادثه میشوند که ۴۰ هزار نفر آن معلول شده اند ... و چون اکثر خسارات گزارش نمی شود، اما حقیقی از این حد بیشتر

است" (کیهان ۲۸ دیماه) یا به روایتی دیگر سالانه زهره ها که در یک نفر دچار حادثه میشود و از هر سه نفری که دچار حادثه میشود و معلول می شوند، یا بزبانی ساده تر از هر کارگری که استخدام میشوند و سالها بکار مشغول میگردد سالانه یک نفر معلول میگردد. و تا زمانیکه آمار شامل کارگرانی است که در کارخانه کار می کنند و بیمه هستند، اگر خیابان کارگرانی را که بیمه نیستند و اکثریت کارگران را تشکیل میدهند و همچنین کارگران فعلی و غیرو را که آمار سوانح در آنرا بیشتر است، در نظر بگیریم، آنوقت به اوج فاجعه پی خواهیم برد و آنگاه است که معلوم میگردد جمهوری اسلامی در سال چه تعداد معلول تنها در عرصه کار تولید میکند.

رعرب و وحشت بر مسند حکومت

● این روزها در جمهوری اسلامی همه دارن دنباله همدیگر را می زنند، هر تریبون و بلندگوئی دست هر کس بیفتد، خیلی سریع خود افسارگریها را میگردانند زیرا همه برای موقعیت خویش احساس خطر میکنند. و در همین رابطه است که نماینده ها و ندد در مجلس رژیم میگویند "همه از رشای حاکم بر جمهوری اسلامی در دنیا و دنیا دیده گرفته شده ... تقاضای تحقیق و تفحص کردم ... نتیجه تکان دهنده تحقیق در کنار اظهار نظرهای زسی کل کشور، داسرای انتظامی قضا و و پزشک قانونی به بیگانی سپرده شد و بر سر

آغاز سال تحصیلی با پنج ماه تاخیر

● کمیو مدرسه، کلاس، معلم، کتاب و ... در جمهوری اسلامی، پدید آمده تا زهی نیست. برخلاف تبلیغات جمهوری اسلامی، گاهی در مطبوعات رژیم اخباری درج میگردد که آئینه تمام نمائی است از فلاکت رژیم در عرصه های گوناگون زندگی، بسیاری نمونه کیهان اول بهمن می نویسد که: ۱۵ روستای چهارمحال بختیاری پنج شنبه گذشته، با اعزام ۱۶ معلم به این منطقه سال تحصیلی را آغاز کردند. روزنامه کیهان علت امر را از قول مسئولین، کمیو آموزگار اعلام کرده است.

خلاف آئین نامه داخلی مجلس، قرائت نکردید".

تا اینجا حرفها کاملا روشن است. با وجود قضا و پزشک قانونی، بیوی خون را بخوبی میشود استصفا کرد. حال ببینیم با ما مل چگونه برخورد میشود: "... به جای تنبیه متخلفان ... برای مجازات مجدد مظلوم و مظلومین، ظالم را در شهرها و روستاها و در محله ها ... عا مل ظلم و ستم و رعرب و وحشت را مجددا بر مسند قدرت نشاندند و اکنون بسا تمام قدرت نه بر کرسی قضاوت بلکه بر مسند انتقام جویی از شاکیان و گزارش دهندگان نشسته تا دم از روزگار مردم آنها و ندد آورد تا مری که نه مختص به آنها و ندد بلکه سرا سراسران است. کشتارهای خیسه تنها گوشه کوچکی از این مسند رعرب و وحشت میباشند. لازم به ذکر است که این نماینده مزدور مجلس فقاها حال که ما بون آقا یا ن به تن خود هم خسورده استعفا ی خویش را به مجلس رژیم ارائه کرده است.

آمار سخن می گویند

● ۵ میلیون نفر از جمعیت ایران روزی ۶۰ ریال درآمد دارند یعنی ۳۰ تومان برای یک خانواده پنج نفره.

- در مقابل آمار با لاسید هم از رخا نور در ایران ما هاشه با لای چهارمدهزار تومان درآمد دارند.

- ۶۰ تا ۷۰ درصد جمعیت کشور در سطح فقر زندگی میکنند.

- ۸۰ درصد ثروت کشور، در دست ۵۰۰ هزار نفر است.

در باره سازماندهی ... از صفحه ۵

دا نشجوی در ایران، اقدامات افشاگرانه و اکسیون های دفاعی بر علیه رژیم اسلامی ... می باشد که در هر جای با بدبخواسته های عملی و روشن تبدیل شود و با ویژگیهای محلی و کشوری انطباق یابد. در آغاز کار رابطه این هسته ها با توده دانشجویان ضعیف بوده و با فعالیت های صنفی و سیاسی سرعت تقویت نمی شود و این البته در آغاز کار طبیعی است. تقویت این رابطه در ابتدای کار به میزان نا چیزی با فعالیت صنفی و به میزان نا چیزی با فعالیت سیاسی صورت میگیرد و تنها وقتی میتوانند بصورت ملموس و محسوس عملی شود که جایگاه فعالیت های فرهنگی خودیاری به خوبی شناخته شده و اشکال مناسب این فعالیتها خلافا نه بررسی شوند. مجموعه ای از این نوع فعالیتها اگر توسط هسته های دانشجویی صورت گیرد میتواند در زمینه شرکت دانشجویان دیگر در این فعالیتها و سایر فعالیتها ... های صنفی و سیاسی را فراهم آورد، این وجه از فعالیت بعلاقی با بلایت جلب دانشجویان می یابد بصورت منظم صورت گرفته و با بیای آن شیوه های مداخله دادن دانشجویان علاقمند در فعالیتها ی مشکل تری کار گرفته شود. بررسی دقیق تر این جنبه از فعالیت دانشجویی و جمع بندی آنرا با فرمت دیگری و آگاه می کنیم.

گفتگو با گرم خلا

توضیحی کوتاه درباره گفتگویی که میخواهید:

این گفتگو، در راستای وظایف انترناسیونالیستی ما و با هدف آشنائی با جنبش انقلابی مصر سازمانها و احزاب مختلف این کشور، با یکی از کمونیستهای این کشور، آنجا مگرفته است. همچنین بعلمت آنکه قبلاً از اعلام تشکیل "دولت مستقل فلسطینی" آنجا شده است، به آن اشاره ای ندارد.

ممکن است کمی راجع به خودت برایمان توضیح دهی؟
گرم: نام من گرم خلاست و اهل مصرم. استاد در رشته تعلیم و تربیت اجتماعی دانشگاهها میورگ می - باشم. کتابهای مختلفی در این رشته و مسائل دیگر نوشته ام. کتاب درسی در رشته کار اجتماعی و تعلیم و تربیت اجتماعی، مقدمه ای بر روانشناسی، یک کتاب درباره ره، ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیاکتیک و تعدادی کتاب درباره ره، مسائل جهان عرب، امپریالیسم و جنبشهای آزادیبخش، از جمله کارهای مهمی باشند. کارهای من بیشتر در زمینه مسائل پژوهشی شرق و مسائل انترناسیونالیستی می باشد.

لطفاً کمی راجع به مصر، کشور و مردم آن، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی آن برایمان توضیح بده.

گرم: مصر کشوریست در حال حاضر با ۵۵ میلیون نفر جمعیت، از نظر نیروی انسانی بزرگترین کشور جهان عربست. یعنی بیش از ۱/۳ تمام عربها، مصری هستند. بهمین دلیل میتوان گفت که وضعیت سیاسی جهان عرب، به اوضاع سیاسی مصر بستگی دارد از نظرسر نظامی نیرومندترین کشورهای عربست و از این زاویه میتوان مصر را داماسنج رشد در جهان عرب دانست.

تغییر رژیم سیاسی مصر از پادشاهی به جمهوری، در سال ۱۹۵۲ اتفاق افتاد. در پی آن آخرین پادشاه، ملک فاروق، سقوط کرد و "تخاد فسران آزاد" به ریاست جمال عبدالناصر، به قدرت رسید. بنا بر این ۳۶ سال است که در مصر رژیم جمهوری حاکم است. تا مرد سال ۱۹۷۰ مردویس از آن سادات قدرت را در دست گرفت. اگر نخواهیم نام مرا بری از اشتباه بدها نیم و نیز او را بنا بر تعریفی که ما برای انقلابی داریم، تعریف نکنیم، وی آلترناتیو بهیستی نسبت به کسانی که پس از او آمدند بود.

سادات از همان روز اول به قدرت رسیدن، سیاست خیا ننت به منافع ملی مصر را آغاز کرد. نقطه اوج این خیانتها، امضای قرارداد "کمپ دیوید" در سال ۱۹۷۸ بود. سقوط رژیم شاه در ایران، پروسه نزدیکی مصر به آمریکا و اسرائیل را تسریع کرد. پس از سقوط رژیم شاه در پی انقلاب مردم ایران، آمریکا سیاستی را در پیش گرفت که خلا ناشی از سقوط

وی را توسط سادات در مصر برگرداند و سادات نقش شاه را در منطقه، خاورمیانه به عهده گیرد. بنا بر این سیاست، با یستی جبهه، جنگ بین مصر و اسرائیل به صلح بیانجامد، تا ارتش مصر نه علیه اسرائیل، بلکه علیه نیروهای انقلابی و جنبشهای آزادیبخش در منطقه، بکار گرفته شود. بهمین دلیل پس از آنکه در فوریه ۱۹۷۷ شاه تهران را ترک کرد، آمریکا، مصر را برای به رسمیت شناختن اسرائیل و برقراری روابط دیپلماتیک تحت فشار قرار داد. پس از آن قرارداد صلح بین مصر و اسرائیل منعقد شد.

در پی این قرارداد، اسرائیل توانست با بخشی از نیروهای نظامی خود که در مصر مستقر بودند، وارد لبنان شود.

از جانب دیگر مصر توانست نیروهای خود را به مناطقی بفرستد که قبلاً اکثر نیروهای رژیم شاه در آن مناطق مستقر بودند، بعنوان مثال در خلیج تاغناستان، آفریقای مرکزی و شمال آفریقا در مراکش و صحرا.

سرنجام سادات در سال ۱۹۸۱ بقتل رسید و جانشین او مبارک تاکنون سیاستهای او را دنبال کرده است. با این تفاهوت که رژیم مبارک رژیم بسیار ضعیف و بیزولهاست و در میان توده ها با بیگانه اجتماعی ندارد. در حالیکه سادات میتوانست ادعا کند که عضو "تخاد فسران آزاد" بوده است.

مصر همچنان نشانی از کشور عربی است که اسرائیل را بر سمیت می شناسد و قرارداد صلح با اسرائیل محترم شمرده میشود.

لطفاً کمی هم راجع به مبارزات مردم مصر، سازمانها و... برایمان بگو.

گرم: از نقطه نظر تاریخی، سال ۱۹۴۸، نقطه سنج جنبش ملی و ضد امپریالیستی بود.

مصر در سال ۱۹۵۰ کشوری بود با تعدادی کارخانه های صنعتی، اما صنعتی شدن مصر در حد وسیع آن، در زمان ناصر انجام گرفت. پیش از هزار کارخانه و فابریک در زمان ناصر تا سیس گردید. تعدادی از آنها با بیش از ۱۰ هزار نفر کارگر، بعنوان مثال کارخانه فولاد سازی در حلوان، نزدیک قاهره و بسیاری کارخانه های صنایع سنگین دیگر، صنایع اسلحه سازی در کنار صنایع کلاسیک مثل پارچه بافی، غذایی و صنایع مصرفی و...

در نتیجه، صنعتی شدن مصر، تا سال ۱۹۷۰ طبقه کارگر بزرگترین طبقه را نظر تعداد گردید، بگونه ای که بیش از ۵۰ درصد اهالی را تشکیل میدهند و از تعداد دهقانان کاسته شد. زندگی بدوی در طول زمستان تقریباً از میان رفت (بدوی ها سالها در مصر تعداد کمی را تشکیل میدادند). در نتیجه، آن مبارزه طبقاتی در مصر تشدید شد. در زمان ناصر بسیاری از صنایع و در درجه اول صنایع بزرگ ملی شدند و

اکثریت کارگران در این صنایع بکار مشغول بودند. همینطور در زمان وی مجموعه ای از قوانین اقتصاد دیو سیاسی در حمایت از کارگران به تصویب رسید. به عنوان مثال ۵۰ درصد نمایندگان مجلس ملی را با یستی نمایندگان کارگران و دهقانان تشکیل دهند. این مجموعه قوانین حمایتی، به تقویت مبارزه کارگران انجام مید.

در زمان سادات - سالهای دهه ۷۰ - مجدداً نفوذ سرمایه های خارجی که در عهد ناصر بسیار رکن شده بود، تقویت گشت. سادات قوانین جدیدی بسرای سرمایه گذارهای خارجی وضع کرد. قوانینی که به وسیله آنها سیاست "درهای باز" در مصر اجرا نشود. بدین ترتیب حمله جدیدی در حیطه اقتصاد دیو از جانب سرمایه های خارجی، علیه اقتصاد مصر انجام گرفت و کارخانه ها هر روز بیش از پیش تحت سلطه سرمایه های بین المللی قرار گرفتند. همزمان با آن سادات سعی کرد که صنایع ملی شده را مجدداً به بخش خصوصی منتقل کند. طبقه کارگر در این مرحله شدیداً در مقابل این سیاست مقاومت کرد تا از انتقال صنایع به بخش خصوصی جلوگیری کند. هم بخاطر منافع سیاسی و مسلماً همچنین بخاطر منافع اقتصادی خویش، زیرا در بخش صنایع ملی، از حقوق بیشتری نسبت به بخش خصوصی برخوردار است. این مقاومت بگونه ای است که تا لحظه کنونی هنوز دولت موفق نشده است صنایع مهم ملی را، به بخش خصوصی - حتی سرمایه داران داخلی - منتقل کند.

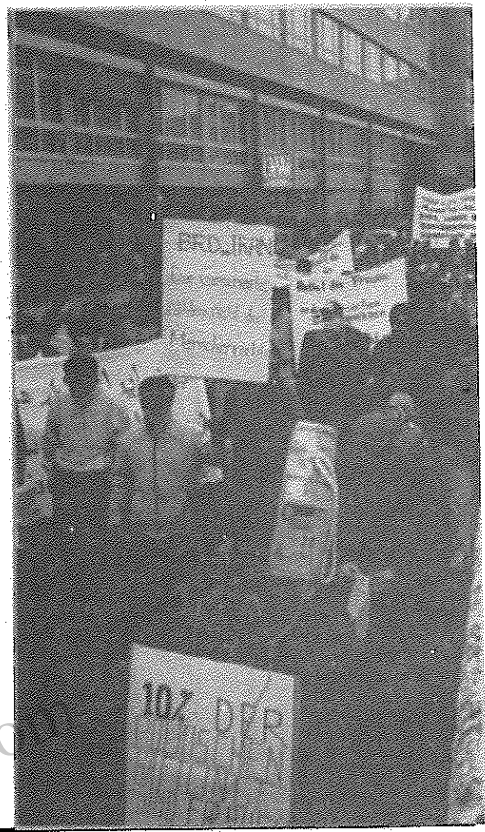
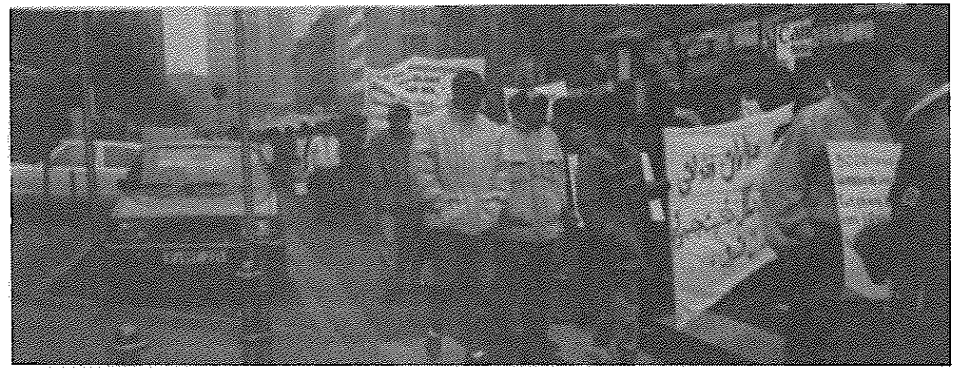
س: یعنی علیرغم تمام تلاشهایی که سادات و مبارکان انجام داده اند، تا بحال موفق نشده اند که صنایع ملی شده را مجدداً به بخش خصوصی واگذار کنند؟

گرم: بله، آلتوری که خودشان میخواهند موفق نشده اند. مثلاً صنایع فولاد و... همچنان ملی هستند. در اینجا لازمست بگویم که این مبارزات اغلب خود جوشند. بدین معنی که احزاب و سازمانها در سازماندهی مبارزه و مقاومت طبقه کارگر بطور مستقیم نقش مهمی نداشته اند. احزاب و سازمانها از طریق عناصر خود در کارخانه ها، رهبران کارگری که در میان کارگران بخاطر شخصیت خود، نفوذ و مقبولیت دارند، کار میکنند. این افراد نفوذ خود را از طریق برنامهم و عملکرد سازمان خود کسب نکرده اند، بلکه این مقبولیت و نفوذ، مدیون شخص خود آنهاست.

حالا میخواهم به سوال تودر مورد احزاب کمونیست و چپ پاسخ بگویم. بطور کلی سازمانهای کمونیست در مصر بسیار ضعیف هستند و من معتقد هستم این وضعیت، سولات مهمی را در برابر سازمانهای سیاسی چپ قرار میدهد، زیرا جنبشهای توده ای در مصر بسیار رقیب است و مرتباً آکسیونهای توده ای وجود دارند. حتی خیزشهایی که صدها هزارتا میلیونها نفر در آن شرکت دارند. مثلاً خیزشهای ۱۸ و ۱۹ ژانویه ۱۹۷۷ که در این خیزش شما می مصر شرکت داشت و این خیزش، خیزش توده ها بود، بدون نفوذ احزاب، خیزشها و انقلابات دیگر نیز تا بحال وجود داشته اند. بدون آنها احزاب چپ نتوانند تا شیری در آنها داشته باشند. این سوال بزرگی است در مقابل آنها که چرا اینگونه بیزول هستند؟ در صفحه ۱۰

آلمان فدرال: از صفحه ۱
فرانکفورت

نظا هرات بزرگ برای آزادی زندانیان سیاسی



آنگاه یک زن پناهنده شیلیایی در همبستگی با مردم ایران و زندانیان سیاسی جنایات رژیم جمهوری اسلامی و حکومت فاشیستی "پینوشه" را محکوم ساخت. در جریان مراسم گروههای هنری با مشارکت در شوبت چند تراشه اجرا نمود!

یک خانم شاعر ایرانی بنام "اشرفا" به قرائت اشعار خویش پرداخت. "نسیم خاکسار" نیز شعر بلندی خواند، شعر خوانی شاعرشنا ساسا عییل خوشی در همبستگی با زندانیان سیاسی پایا ن بخش برنا مه بود که مورد توجه زیادی واقع شد!

سیاسی آزادها بدگردهد. جمهوری اسلامی تحریم باید کرد. مرگ بر جمهوری اسلامی، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی باید پایان یابد! قتل عام زندانیان متوقف باید گردد به زبان های آلمانی و فارسی بخش و توسط جمعیت تکرار می شد!

مراسم بزرگداشت زندانیان سیاسی که در چند ماه اخیر در زندانها به شهادت رسیده اند با یک دقیقه سکوت آغاز شد. یک سخنران زن از حزب سبزها، در همبستگی با زندانیان سیاسی سخنرانی کرد. سپس آقای الکساندر شوبرت تحلیل زده سال حکومت تروریستی جمهوری اسلامی ارائه داد و

مونیخ: اعتراض به موج اعدامها

در تاریخ ۱۴/۱/۸۹ بدعوت حزب سبزها در مونیخ و حومه "نظا هراتی با شرکت بیش از ۵۰۰ نفر ایرانی و نیروهای مترقی آلمان در شهر مونیخ برگزار گردید. نظا هرات از میدان Sendigerton آغاز و نظا هرکنندگان پس از عبور از خیابانهای Harienplatz به طرفت آمدند. در این مکان چند نفر از اعضای "حزب سبزها" پیرامون موج اعدامهای اخیر در ایران سخنرانی کردند. در پایان مراسم های از یک هموطن دربند و قطعنامه ای در ۶ ماده به زبان های آلمانی و فارسی قرائت گردید. در بندهای ۱ تا ۳ قطعنامه از کلیه اقدامات سازمان ملل متحده برای اجرای حقوق بشر در ایران و اعزام یک هیات تحقیقاتی برای بازرسی از زندانها حمایت شده و درخواست با یکوت اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی گردیده بود!

کلن:

ها مبورگ: نظا هرات ایستاده

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در روز ۱۱/۱/۸۹ بدعوت ترورتنکیستهای آلمانی (ها مبورگ) در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی بخصوص زندانیان کمونیست نظا هرات ایستادهای مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت. این نظا هرات با حضور جمعی از ایرانیان و آلمانی ها بمدت یک ساعت از ساعت ۱۷ تا ساعت ۱۸ برگزار شد.

نظا هرکنندگان با سردادن شعارهای سوسیالیستی و شعارهایی در ارتباط با زندانیان سیاسی خواهان پایان بخشی قوری به اعدامهای دسته جمعی گردیدند.

رفقای ما در شهرها مبورگ، هواداران هسته اقلیت و انجمن هواداران حزب کمونیست ایران (کومله) با دادن پیامی رژیم جمهوری اسلامی را قویا محکوم کرده و خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی گردیدند.

برلین غربی:

اشغال غرفه جمهوری اسلامی

از تاریخ ۳۰ ژانویه تا ۵ فوریه هفته سبزه (Grüne Woche) در مانتا کنگره بین المللی برگزار گردید. کشورهای شرکت کننده در کنگره مواد لبنی، گیاهی و انواع سبزیها و میوهها را در غرفه های اختصاصی عرضه و بفروش میرسانند. در تاریخ ۴ فوریه تعدادی از نیروهای انقلابی وابسته به کمیته هماهنگی (مرکز از زمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت و شورایی) وحدت کمونیستی و رفقای ما) با خواننده زندانیان سیاسی و عناصر دموکرات و اردنما یسکا شده، غرفه جمهوری اسلامی را اشغال و با شعار مرگ بر خمینی، مرگ بر جمهوری اسلامی عکسهای خامنه ای را پاشین کشیده و پلاکاردی مبنی بر قطع بی درنگ اعدامهای سیاسی و شکنجه و آزادی کلیه زندانیان سیاسی نصب کردند و به بخش اعلامیه و پروشورهای افشاگر یا نه در میان بازدیدکنندگان پرداختند که مورد توجه و استقبال قرار گرفت.

بدنبال اشغال غرفه جمهوری اسلامی، پلیس مخفی و علنی در محل حاضر و اخطار نمود هر چه زودتر از غرفه خارج شوند ما شرکت کنندگان در این حرکت، اعتراضی بمدت یک ساعت در محل با قیمتهای و به افشاکری از جمهوری اسلامی ادا می دادند. پس از یک ساعت تعداد زیادی پلیس شرکت کنندگان در آکسیون را بزور زملخا رچ نمودند. تعدادی از خبرنگاران از واقعیه عکس گرفتند و خبر آن در اختیار یکی از فرستنده های رادیوئی برلین هم قرار گرفت!

منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه شماره ۱

در مراسمی که سازمان مجاهدین خلق ایران در تاریخ شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۶۷ در کلن برگزار کرد، بعطت انجمن یک بمب، دو تن از هواداران این سازمان مجروح گردیدند. ناگفته روشن است که رژیم تبهکار جمهوری اسلامی برای ایجاد در عیب در میان اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور دست به این اقدام تروریستی زده است. ما ضمن محکوم کردن این اقدام ضرورت افشاکری وسیع از هدفها و کارکردهای تروریستی رژیم فتنها را به همه رفقا یادآوری میکنیم.

ها مبورگ - آلمان غربی

اعتراض به اخراج پناهندگان

در روز ۸۹/۱/۱۱ در ساعت چهار بعد از ظهر مقابل اداره امور مربوط به خارجیین شهر هامبورگ تظاهراتی با شعار "اعتراض به تصمیم دولت آلمان و دولت محلی هامبورگ مبنی بر اخراج ۲۱ نفر از اهالی یوگسلاوی (که ۱۵ نفر از آنها کودکان و بچه ها تشکیل میدادند) صورت پذیرفت .

این تظاهرات توسط "جمعیت دفاع از آزادیان و پناهندگان" که جمعیتی است متشکل از حقوق دانان و اطباء دموکرات برپا شده بود، شرکت کنندگان که بالغ بر ۱۶۰ نفر میشدند، اخراج پناهندگان توسط دولت آلمان را قویا محکوم کرده و این عمل را حرکتی فئودال و نژادپرستانه و غیر انسانی ارزیابی میکردند. یک زن آلمانی عضو جمعیت که از نماینده حزب سبزها میباشد طی یک سخنرانی احزاب با کمپین شهرها مبورگ یعنی حزب سوسیال دمکرات (SPD)، حزب لیبرالها (FDP) و حزب (GDU) (دموکرات مسیحی ها) را محکوم کرد. وی طی سخنان خود اشاره کرد که اخراج پناهندگان از آلمان را به عنوان یک اقدام نژادپرستانه و غیر انسانی در محکوم نمود و اعلام نمود پرونده این اداره مملو از اخراج خارجیین است. سخنران اشاره نمود که اخراج پناهندگان را "اخراج" نامید.

اجرای کنسرت

بعدها انجمن فرهنگی ایران و آلمان در روز ۸۹/۱/۲۰ کنسرتی توسط نوازنده انقلابی ایران سیروس ملکوتی برگزار گردید. سیروس ملکوتی با اجرای چند قطعه موسیقی و آهنگهای انقلابی اعتراض خود را به اعدای اخیر زندانهای جمهوری اسلامی اعلام داشت و از شرکت کنندگان در مراسم بزمی نجات جان زندانیان سیاسی ایران استمداد طلبید!

در این کنسرت حدود یکصد و پنجاه نفر که تعداد قابل ملاحظه ای از آنها را آلمانیهایی تشکیل میدادند گرد آمده بودند. پس از پایان کنسرت بحث و گفت و شنود پیرامون مسائل سیاسی جامعه ایران آغاز گردید. نیروهای سیاسی ایرانی در شهرها مبورگ با بخش اعلامیه های بزرگ آلمانی شرکت کنندگان را در جریان جنایات اخیر رژیم قرار دادند!

بزرگداشت خاطره قربانیان "ما را ش"

همینا سبت دوازدهمین سالروز حمله قوای حکومت نظامی به شهرک (ما را ش) در کردستان ترکیه و قتل عام مردم بیگناه آنجا، مراسم درامتی نشان در دانشگاه هامبورگ برگزار گردید. جمعیتی بالغ بر ۲۳۰۰ نفر در این مراسم

شرکت کردند. مراسم شامل پیمای سیاسی گروه بندی ها و احزاب سیاسی ترکیه و کردستان ترکیه، موسیقی کردی با اجرای شوان و امک، موسیقی ترکیه ای، رقصهای محلی ترکیه و کردی بود.

زاربروکن - آلمان غربی

اعتصاب غذا

در اعتراض به وضعیت دشوار زندگی در هامبورگ که متقاضیان پناهندگی ناچارند ۲ تا ۳ سال در یک ساختمان فاقد امکانات بهداشتی و رفاهی زندگی کنند و همچنین در اعتراض به محیط نا سالم و آلوده و کمبود مواد غذایی در مجموع فضای نا امنی برای خانواده های ساکن در هامبورگ وجود آورده است، ۲۰ نفر ایرانی و یک نفر آلمانی از حزب سبزها از تاریخ ۱۶ ژانویه بمدت نامحدود در دفتر مرکزی حزب سبزها به نشانی *Neuwalder Str. 64* دست به اعتصاب غذا زده اند و یک نفر که حالش وخیم بود به بیمارستان اعزام گردیده است!

از آنجا که اعتصاب کنندگان با راهبها مقامات شهرداری و خواسته های برحق خود صحبت کرده اند و تقریباً در تمام ایالت "زارلند" *Saar-land* متقاضیان پناهندگی حق سکونت در خانه اشتیاقی دارند ناچار شده اند به شیوه ای مبارزه روی آورند. اعتصابگران در اعلامیه خود تاکید کرده اند ما در مقامات شهر با خروج آنها از هامبورگ موافقت نکنیم. اعتصاب غذا ادامه میدهد. تا کنون علاوه بر تشکلهای فرهنگی و کانونهای پناهندگی ایالت زارلند، حزب سبزهای آلمان، سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) و سازمان (رفقای فرانکفورت) و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی (فرانکفورت) نیز اعلام پشتیبانی کرده اند! خبر مربوط به اعتصاب غذای ایرانیان علاوه بر درج در روزنامه های محل بمدت ۲/۵ دقیقه از تلویزیون زارلند هم پخش شد!

استکهلم - سوئد

درخواست حمایت از پناهندگان بلوچ انجمن فرهنگی بلوچ با ارسال بیانیه ای به کمیسر عالی *JNHGR* سوئد که رونوشت آن را در اختیار مطبوعه سوئد در استکهلم، عقوبین المللی سوئد، کمیسر عالی سازمان ملل در کراچی و ژنوو قرار داد، از وضعیت دشوار پناهندگان بلوچ ایرانی در پاکستان ابراز نگرانی شدید نموده و مستراً خواستار حمایت از آنان گردید!

با کمک های مالی خود

سازمان را در امر مبارزه

انقلابی یاری رسانید

فرانکفورت - آلمان غربی

سمینار تشکل مستقل زنان در اروپا

تشکل مستقل زنان ایرانی در اروپا از تاریخ ۸۹/۱/۲۷ الی ۸۹/۱/۲۹ بمدت سه روز سمیناری تحت عنوان "تفاوت تربیت دختر و پسر برگزیده نمود. حدود ۶۰ نفر پناهندگان تشکل از شهرهای آلمان و فرانسه شرکت داشتند در رابطه با تمام مباحث ۴ مقاله ارائه شد و یک سخنرانی که روی نوار ضبط شده بود پخش گردید. حول این مسئله دور و زبانه ها داده شد و راه حل های متنوعی جهت مبارزه با نابرابری زن و مرد ارائه گردید که مبین دیدگاهها و گرایشهای مختلف نظری بود!

یک بررسی آماری از میزان تجاوز به دختران در سال عنوان مقاله دیگری بود که توسط یکی از شرکت کنندگان به سمینار ارائه شد! و نیز در روز اول فیلمی در خصوص ختنه زنان در مصر و نقش مذهب بنیامین در آمد!

مهمترین مصوبات سمینار از این قرارند:
- سمینار بعدی - همینانیم، تاریخچه پیداایش و مضمون آن!
- ارسال پیامی به برگزار کنندگان سمینار سازمان های زنان جهت اعتراض به اعدای زنانه زندانی در ایران!
- برگزاری روز اعتراض به حجاب اجباری - سازماندهی یک خبرنامه سراسری.

برگزاری شب "شعر و موسیقی"

در همبستگی با زندانیان سیاسی

شب شعر و موسیقی با شرکت اسما عیال خوشی (شاعر) و سیروس ملکوتی (آهنگساز و گیتاریست) در همبستگی با زندانیان سیاسی، در تاریخ جمعه ۸۹/۱/۶ در محل منزه قدیم دانشگاه فنی برلین برگزار گردید. این مراسم مورد استقبال نزدیک به ۲۵۰ نفر از ایرانیان مقیم برلین قرار گرفت. خوشی و سیروس آمده بودند تا در شرایطی که رژیم جعلی و جنایت جمهوری اسلامی در سراسر ایران سایه مرگ افکنده است و به گشتا وسیع آزادی اندیشان دست زده است، عشق را، آرزو را، ستیز با فرهنگ جهل و جنایت و مرگ را در یک کلام، زندگی را برآیند و همبسته با آنان که در روشنی آنها و اشتیاق پاک انسان به راه شدند و به یادها پیوستند و همبسته با خروش همه آزادگان شبی را با شعر و موسیقی برگزار نمایند. طی این شب سیروس با گیتار و آواز بقصد، در دورنج، مبارزه و شور و مید و آرزو را نواخت و خوشی با اشعارش از بیام آوران مرگ (خمینی ایسم) و پاسداران دین و مرگ و از فلسفه زندگی و بررسی ما تریالیستی آن سخن گفت و با تکیه دین و پاسداران نشان از زندگی و انسان ارجح و مقام او در برابر خدا یا جن جن استایش نمود و پیمان زندگی داد.

س: وضعیت احزاب دیگر چگونه است؟ آیا خیزشهای دارند؟

کرم: مبارک یک انتخابات فرمایشی برگزار کرد. در این انتخابات "حزب دمکراتیک خلق" که توسط سادات تا سیم گردیده بود، اکثریت را بدست آورد. در کنار آن "حزب وفد" نیز تعدادی از کرسی های پارلمان (کمتر از ۱۰٪) را بخود اختصاص داد. حزب وفد با یک حزب قدیمی بهمن نام که در دوران مبارزات ضد استعماری نقش فعالی داشت، شباهت اسمی دارد و شاید برخی از سیاستمداران قدیمی آن حزب نیز در حزب فعلی هستند، ولی عملکرد این حزب با عملکرد حزب وفدان زمان، کاملاً متفاوت و متضاد است.

همینطور کمتر از ده درصد کرسی ها متعلق به ائتلاف "حزب العمل" (حزب دست راستی کار) و "اخوان المسلمین" میباشد.

س: نفوذ این احزاب در بین مردم، چقدر و چگونه است؟

کرم: انتخابات مجلس، نفوذ این احزاب را در بین توده های مردم، منعکس نمی کند. علاوه بر احزابی که بر سر مردم، حزب دیگری بهنگام انتخابات تا سیم شد بنام "حزب التجمع"، که به مجلس راه نیافت، این حزب متشکل از افراد مختلف اپوزیسیون و چپ می باشد. اگر این انتخابات صحیح و بدون تقلب برگزار میشد، علیرغم آنکه این حزب منافع واقعی توده ها را آنگونه که ما می اندیشیم، نمایندگی نمی کند، مسلماً کاندیداهای این حزب وارد مجلس می شدند و حتماً نمایندگان نش کمتر از نمایندگان حزب دولتی نبودند. در حالیکه آنها به حدتصا ۸٪ نیز سرسیدند. نفوذ این حزب در میان مردم، کارگران، آکسیونها و... چگونه است؟ آیا این یک حزب روشنفکری است؟

کرم: جنبش "تجمع" یک حزب بمعنای واقعی کلمه نیست، برنا هم روشن و مشخصی ندارد و خط سیاسی مشخصی را نیز منعکس نمی کند، بلکه نیروهای مختلف اپوزیسیون بعنوان عکس العمل در مقابل قدرت روبه افزایش مبارک، دست به تشکیل این حزب زدند و این حزب نیز نفوذ برنا هم می دارد. در مردم ندارد. با تفاوتها و این حزب نظیر حزب سبزه در اینجا (آلمان غربی) است. ظرفی متشکل از افراد مختلف عمومی سازمان یافته اند؟ تا چه درجه؟ یا اینکه در اشرافهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی نامگان ظاهر میشوند و سپس نابدید میگردند؟

کرم: بطور قطع میتوان گفت که این خیزشها، خیزشهای ازبانه هستند، منظور ما این است که آنها در پی دعوت و یا اعلام یک یا چند سازمان سیاسی اتفاق نمی افتند، اما اینها اینگونه که در سالهای اینچنینی - غرب - شنیده میشوند، شورش برای آنان یا آکسیونهای بدون مقدمه نیستند.

اگر این خیزشها را از نظر سیاسی - اقتصادی و اجتماعی بررسی کنیم، میتوان گفت که این خیزشها روبه رشد و عمق یافته هستند، شعارهای این خیزشها نیز تنها شعارهای اقتصادی مثلاً جهت تشبیه قیمت گوشت، نان و... نیستند، بلکه مردم قیام میکنند، اکثراً با شعارهای سیاسی و اردخیا بانها

میشوند. مثلاً در سال ۱۹۷۷ شعارهایی بود با مضمون "به سیاست درهای باز خاتمه دهید" و نیز شعارهایی که خواهان سرنگونی رژیم بودند، زیرا که رژیم را مسئول طرح و اجرای چنین سیاستی میدانستند. همینطور شعارهایی در شیت کرسی های پارلمان برای کارگران و دهقانان بود. سادات میخواست این سهم را از ۵۵ درصد تقلیل دهد. در نتیجه همین خیزشها بود که از آن جلوگیری شد.

س: آیا طبقه کارگر همچنان حق اعتصاب دارد؟ یا بهتر بگویم اساساً طبقه کارگر قانین چنین حقی را دارد یا نه؟

کرم: در مصر سابقاً است که از جانب حکومتها وضعیت اضطراری حاکم گشته است. به مرور نیز این وضعیت بوسیله ممنوعیت اعتصاب، تظاهرات و غیره سختتر شده است. اما کارگران به این قوانین توجهی ندارند و آکسیونها بوقوع می پیوندند. مثلاً هنگامی که خیزش توده های فلسطینی در فلسطین از سال ۱۹۷۰ سال گذشته آغاز گشتند، دولت مصر قانین را گذراند که بموجب آن انجام تظاهرات در مصر، بعدت یکسال ممنوع بود. علیرغم آن مرتباً تظاهرات حمایتی از جانب توده ها انجام میگرفت.

س: چه احزاب قانونی و غیر قانونی اکنون در مصر وجود اپوزیسیون که مرزهایش هم راست و هم تا چسب میروند، با این تفاوت که "حزب تجمع" برنا هم برای محیط زیست ندارد، بلکه برنا هم برای جهت عدم وابستگی کشور محدود کردن نفوذ امپریالیسم، احیای اتحاد عربی، مبارزه علیه صهیونیسم و بطور خلاصه درخواستهای عمومی مردم مصر، اعلام کرده است. در این حزب، ناصریست، کمونیستها و چپهای سنتی و... جمعند. همچنین این حزب با نیروهای چسب انقلابی، مرزبندی دارد و به این دلیل نمی تواند نفوذ زیادی در بین مردم داشته باشد. اما روزنامه آنها "الهالی"، روزنامه محبوبی است، زیرا که در آن اخبار اپوزیسیون منعکس است. "الهالی" تنها روزنامه ایست که مردم، اخباری را که در روزنامه های رژیم درج نمی کنند، در آن می یابند.

س: وضعیت احزاب چپ؟

کرم: وضعیت اینست که تا بحال هیچ خط سیاسی (چپ) نتوانسته است نفوذی در بین توده ها بدست آورد. در کنار هم، سازمانهای مختلف چپ وجود دارند که در میان نشان احزاب قدیمی و نیز جدید - التاسیس، یافت میشوند که البته سازمانهای تازه تشکیل شده، توده کمتری را تحت نفوذ دارند. بسا آنکه جنبش توده ای وسیعی وجود دارد، اما سهم نیروهای متشکل در این جنبش، بسیار کم است و این بسیار نگرین بحران واقعی سازمانی است. من شخصاً سازمانهای چپ را مسئول ایزولاسیون خودشان میدانم، زیرا جنبش توده ای درجه کافی از سیاسی بودن توده ها را نشان میدهد. اما مردم درخواستها و منافعشان را در برنا همها و شعارهای این سازمانها تجلی یافته نمی بینند. مردم مسلماً آنگونه که در این جا فرض میشود، مذهبی نیستند. این احزاب حتماً باید نشان را چون کبک زیر برف کرده باشند، اگر مدعی شوند که عدم نفوذشان، نفوذ مذهب در بیسی

توده ها است. آنها نتوانسته اند مردم را با برنا هم - شان متقاعد کنند.

من معتقدم اگر نیروهای واقعا انقلابی، نتوانند برنا همهای انقلابی را که دهند و آنرا در میان مردم تبلیغ کنند، نفوذ زیادی در بین توده ها پیدا نخواهند کرد.

س: چرا چپها نمی توانند کارگران را سازماندهی کنند؟ چرا چپها نمی توانند رهبران کارگری را جلب و سازماندهی کنند؟ اشکال کار بنظر تودر کجا است؟

کرم: این سوال بزرگی است که نه فقط من، بلکه تمام چپهای مصر باید به آن پاسخ دهند. من به سهم خود سعی میکنم به آن پاسخ دهم.

بطور واضح، طبقه کارگر با سازمان یافتگی و سازمانهای سیاسی، دشمنی ندارد، همینطور توده ها، بصورت شکرت با یستی بگویم که مردم در ظاهر کشوری غیر وابسته است، اما مردم وابستگی آن به امپریالیسم - را از نظر اقتصادی و سیاسی - و نفوذ صهیونیسم در آنرا می بینند. همینطور توده های می بینند که مصر، جهت همبستگی با جنبش فلسطینی ها در سرزمینهای اشغالی، هیچ اقدامی انجام نمی دهد. به عبارتی دیگر اهداف یک برنا هم، انقلابی در مصر کاملاً واضحند، اما احزاب چپ چگونگی استفاده از این پتانسیل انقلابی توده ها را نمی دانند.

س: من میخواهم با یک مثال سوالم را روشنتر طرح کنم. در ایران سالهای ۷۸ - ۷۷ پتانسیل انقلابی وجود داشت. توده ها رژیم شاه را سرنگون کردند، اما خمینی تنها کسی بود که توانست رهبری را بدست بگیرد، و این در حالی بود که طبقه کارگر و بخصوص کارگران صنعت نفت با اعتصابات خود، در سرنگونی رژیم شاه نقش مهمی را به عهده داشت. اما چپها نتوانستند از نفوذ خود بخصوص در میان کارگران صنعت نفت، استفاده کنند.

س: (و امروز برخی دیگر از سازمانهای چپ) معتقدیم که پوپولیسم مرضی بود که باعث شد چپ نتواند به سازماندهی طبقه کارگر بپردازد. مسئله برای چپ خلق در کلیت آن بود. ما معتقدیم که در این عصر، یک مبارزه ضد امپریالیستی، تنها برهبری طبقه کارگر میتواند دنیا هدایت خود ببرد. آیا در مصر هم وضع چنین نیست؟

کرم: من مقایسه با ایران را خیلی جالب میدانم. از جهات بسیاری، ایران و مصر با هم قابل مقایسه اند. من نظرتورا قبول دارم. در ایران در سال ۷۹-۱۹۷۸ انقلاب حقیقی خلقی بوقوع پیوست که کارگران بخصوص کارگران صنعت نفت در آن، نقشان، تهران و... سهم مهمی داشتند و همینطور اینکه چپها نتوانستند از قدرت دوگانه ای که در زمان انقلاب بوجود آمده بود استفاده کنند و نتوانستند یک آلترناتیو محکمی را در مقابل رژیم شاه ارائه کنند. چنین وضعی در مصر نیز در برابر نیروهای انقلابی قرار دارد. رژیم بسیار ضعیف و پراکنده توده ها است. علیرغم آن، نیروهای انقلابی، نمی توانند خود را به گونه ای که مورد اعتماد آنها قرار بگیرند، مطرح کنند.

— در مصر— آنطور که در مطبوعات غرب نشان داده می-
شوند قوی نیستند.

— لطفاً کمی در مورد چگونگی پیدایش این گروهها
توضیح بده.

کرم : من مطمئنم که تشابهاتی در این مورد— پیدایش
این گروهها— در دیگر کشورهای آسیای و آفریقای
وجود دارد.

میتوان گفت این نیروها زمانی پیدایش میشوند
که جنبش وسیع ضد امپریالیستی ویا ضد صهیونیستی،
در این جوامع وجود دارد. مثلاً در سال ۱۹۲۸، زمانیکه

در مصر، جنبش عظیم ضد استعماری بوجود آمد، "اخوان
المسلمین" نیز پیدایش و توسعه پیدا کرد. در سال ۱۹۵۸ بهنگام
جنبش ملی مصر، در زمان ناصر، دامنه نفوذ نیروهای

بنیادگرا، بسیار کم شد. در زمان سادات، ناگهان
در صحنه سیاسی مجدداً ظاهر شدند. این مسلمانان
که سادات خود، این نیروها را تقویت کرد. بدشأنی

سادات آن بود که قریبانی نیروهای شد که خود تقویت
پیشانی کرده بود. مبارک نیز سیاست سادات مبنی بر
تقویت نیروهای مذهبی را، ادامه میدهد. مسلمانان

امپریالیسم و صهیونیسم در رشد نیروهای مذهبی،
دین فتنه داد. اما مهم این است که بدانیم توده های تحت
ناشران جریانها، عقاید و خواسته های رهبران خود

را منعکس نمی کنند و اغلب راه خود را از آنها جدا
میکند. آنها، عدم وابستگی کشور به امپریالیسم،
آزادی و راندن صهیونیستها از فلسطین را خواهانند.

آنها همچنین خواهان سترجیل مسائل و مشکلات اجتماعی
— اقتصادیشان میباشند. این خواسته های ایمن
نوع توده ها است. هر چند که بدنسبب این گروههای مذهبی

بروند، مسلمانان گرانندگان این گروههای مذهبی
از گمراهی تبعیت میکنند که البته به توده های
دنیا نهرو این گروهها، ربطی ندارد. بهمین جهت

من میخواهم علیرغم آنچه که مطبوعات اینجا میگویند،
هرگاه یک شمار مذهبی در نظرات و آکسیونها داده
شد، آنرا یک نظرات، مذهبی بنامم. درست است

این است که نظرات و آکسیونها در خواسته های
سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توده ها را بیان می-
کنند. مطبوعات در اینجا شما می شمارهای نظرات

و آکسیون را نا دیده گرفته و یک یا دو شمار مذهبی را
بزرگ میکنند و میگویند مذهبی ها، بنیادگرایان
نظرات کردند و... در عمل جعلی است که مطبوعات

اروپائی بدان دست میزنند.
— خمینی و اردوستان نیز همواره چنین شمارها—
ئی داشته و دارند. شمارها و هوئی های ضد

امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد سرمایه داری و
... اما شمارها یک روی سکه و آنچه در عمل انفساق
می افتد، طرف دیگر سکه است. نابودی اپوزیسیون

انقلابی، سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و در جهت
حفظ منافع و نظام سرمایه داری و... پس از انقلاب
کشور نه فقط به عدم وابستگی نرسید، بلکه در اکثر

سیاستهای رژیم و طی این مدت، وابستگی هسا
تشدید شده اند.
کرم : درست است، در کشورهای ما شما می رهبران

اگر بخواهند قدرت بهمانند، با پیدایش شمارهای ضد
امپریالیستی بدهند. شما می کشورهای عربی را
نگاه کنید، همه شمارهای ضد امپریالیستی— ضد

صهیونیستی میدهند. من نظرتو را در این مورد قبول
دارم. علیرغم آن متعجبم که امپریالیسم خودش با نی

گروههای بنیادگراست، اما بهفا نمی تواند شکست
بیر آنها مسلط باشد. من شمارهای ضد امپریالیستی

— ضد صهیونیستی آنها را بسیار خطرناک میدانم،
زیرا سعی میکنند که نفوذ و قدرت یابی چپها، جلوس-
گیری کنند. بعضی وقتها این جریانها به آکسیونهای

دست میزنند تا مورد قبول توده ها واقع شوند. در این
مواقع نیز با بیستی در مورد آنها افشاگری کرد و آنها
را ایزوله نمود.

همانطور که گفتیم ۲۸ سال زمان مذهبی و جسوس
دارد و آنها در ۱۵ سال گذشته فرصت داشته اند تا نشان
دهند که واقعا چه میخواهند؟ اکنون مردم می بینند

که این سالها خواهان یک تحول واقعی نیستند.
برخی از این جریانها مسلح هستند، اما بطور کلی
نشانی از آنها نیست. رژیم توانسته است بسیاری از

آنها را خلع سلاح کند و از این باب خوبست که اسلحه
در دست نیروهای ارتجاعی نیست.

من معتقدم که چپ مصر و بطور کلی چپ در جهان
عرب، با پیدایشگری زیادتری نسبت به بنیادگرایان
انجا مدهد. من آرزو دارم که چپ عربی به این خطر

وقوف حاصل کند و موضع روشنی در مقابل بنیاد-
گرایان اتخاذ کند. علیرغم آن نمی خواهم در تحریک
بنیادگرایان مذهبی مبالغه کنیم و میخواهم بگویم که

وظیفه مهم، تشکیل آلترنا تیا انقلابی است.
— از طرف خودم و هیئت تحریریه "پیام کارگر" از تو

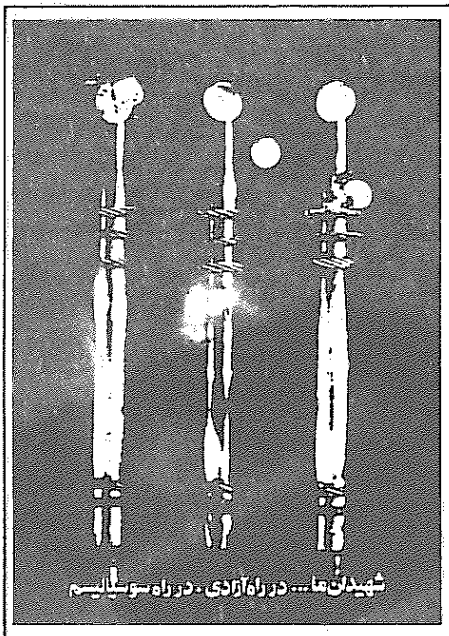
تشکر میکنم و برایت آرزوی موفقیت می نمایم.
کرم : من هم ز شما تشکر میکنم و برای شما و تمام
کمونیستهای ایرانی در راه مبارزه علیه رژیم چپ
اسلامی موفقیت آرزو مند.

منتشر شده است:

شهیدان ما... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

آلبرم شهیدان

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



شهیدان ما... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

نگاهی گذرا به فیلم "مهمانان هتل آستوریا"

مهم‌نیز هست که در هنر بیطرفی اجتماعی و طبقا سی وجود ندارد. هنرمند چه بخواد و چه نخواهد، جانبدار است، چرا که هنر بیگانه‌ای ما هوی چنین پدیده‌ای است، بود این جانبداری نیز هنرمند متعهد و مسئول، و هنرجا جانبداری باید، و وظیفه دارد، بیشتر بر بد مله‌ای چرکین طبقه خود و با گروه اجتماعی که به آن تعلق دارد نیز بکشد، اما هوشیارانه!

بنا بر این هنگامیکه از رابطه هنر و سیاست صحبت میشود، متدوا نديشگی فوق مورد توجه قرار گرفته است و این توجه به هنگامیکه رکن اساسی یک کار سینمایی، یعنی فیلمنا مه نیز عمیقاً مقوله-ای سیاسی و اجتماعی ای را برای به تصویر کشاندن برگزیده، پرا اهمیت ترمینما یید.

نگاهی گذرا به ماجرای فیلم

جمعی از گریختگان از وطن به استانبول می‌رسند و در هتل آستوریا اسکان داده میشوند. تلاش آنها این است که خود را از ترکیه نیز برهانند و به قهوه‌خانه‌ها بروند و در آنجا با همسران و دو فرزندش، مهندس محسنی، آقا تقی و همسرش، در واقع پرسوناژهای اصلی فیلم هستند.

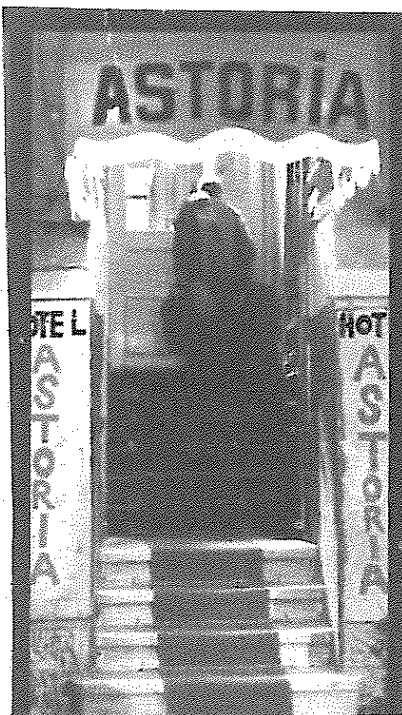
پوری، که فیلم بطور عمده سرگذشت و سرنوشت او در آوارگی است، معلمه مهد کودک بسته شده است که به بسته شدن آن پوری بیگانه می‌شود. شوهرش هم فرهنگی با کم‌زنی شده است، پوری و شوهرش انسان‌هایی مهربان، صمیمی و آگاه جلوه میکنند و روابط میان آنها خوب و صمیمانه می‌نماید، اما مسأله بیچاره شدن دلگیر بنظر می‌آیند. ضیائی تپیبسی تازه به دوران رسیده و نیمه مرفه بنظر میرسد که اوقات انتظارش برای رها شدن از ترکیه را با سرگرمی‌های متنوع پر کرده است. مهندس محسنی، مهندس کفا و رزی است و علیرغم اینکه در برابر سوال پوری، سیاسی بودنش را انکار میکند، آدمی سیاسی است، آقا تقی و همسرش دوروستانی ساده‌ای هستند که فرزندان شان در زندان جمهوری اسلامی اسیرند و بعنوان قهوه‌چی و مستخدم هتل کار میکنند.

...

پوری با همسر ضیائی رابطه‌اش تقریباً نزدیک است و گاه "درد دل میکنند" در همین نوع گفتگوها آنها در باره مهندس محسنی هم صحبت میکنند. همسر ضیائی ضمن تعریف و تجمیله ز تپیب مهندس، رفتار او را مشکوک میدانند، اما پوری از مهربانی‌های مهندس بهنگام گذرا زمرز کوه میگوید. همسر ضیائی به پوری پیشنهاد میکند که برای مهاجرت به هلند با مهندس مشورت کند و از او کمک بخواد، چرا که مهندس با قاچاقچی‌های متعددی آشناست که می‌توانند به او کمک کنند. پوری مسأله را با مهندس در میان میگذارد و هم‌قاچاقچی ای به آنها معرفی میکند. در یکی از شبها که شوهر پوری برای انجام کارهای مربوط به سفرشان به آنکارا می‌رود، مهندس محسنی و پوری، به‌صراحت آقای مهندس، خلوت میکنند و هم‌بستر میشوند! پس از مدتی پلیس ترکیه مهندس را در رابطه با فعالیت‌های غیرقانونی‌اش دستگیر

همه زیبا شی‌ها و مکانات در این راستا بکسار گرفته میشوند که مفا هم و مفا مین فیلمنا مه به زیبا ترین و هنرمندانه ترین شکل به تماشاگران انتقال یابد. یک فیلم - و هرا شهنری دیگر - بلحاظ شکل هنری، فنی و تکنیکی هرا ندا زه هم که زیبا و جاذب بینما یید، بی محتوی سیاسی و اجتماعی "سرکه درسا غرزین" را می‌ماند.

"سیاست یعنی زندگی" و هنر غیر سیاسی، هنسیر زنده‌ای نیست، چنین درکی نافی استقلال نسبی هنر از سیاست، بعنوان شکلی از آگاهی اجتماعی و انعکاس واقعیت که زبان و ابزار ویژه و قوا نین و بافت درونی خودش را دارد، نیست، درست به همان اندازه که چشم بر پیوند منطقی میان این دو مقوله پرا اهمیت زندگی اجتماعی هم نمی‌بندد. امروزه دیگر طشت بی‌مایگی و سطحی نگری دیدگای که استقلال نسبی و ارزشمند هنر و سیاست، و بویژه نقش چنیسن استقلال در تکامل هنر را نمی‌بیند، با فساد است. امروزه دیگر تپیبسیان و با فشاری در این رابطه نیست که آن اندیشگی ای که بر این اعتقاد است "هنر مندی که تلاش کند در مخاطبین خود عواطف سیاسی خاصی پدید آورد، به سیاست خدمت و به هنر خیانته کرده است"، درست آن روی سکه‌ای است که بر روی دیگرش هنر را، خشک و بیگانه، زابیده" سیاست و بازاری برای بیانیه خوانی و با شعاهای سیاسی - بویژه در راستای بیان دیدگاه‌های سیاسی یک سازمان حزب - میدانند، اندیشگی که - لااقل در شرایطی که جنبش چپ و ترقیخواها نه میهنمان به



سر می‌برد. به گرفتار پلیس هم نمی‌ارزد! همه آنچه که مورد تاشره قرار گرفت در رابطه با بیان این امر

این فیلم که هم‌اکنون آماده نمایش عمومی است در ماه ژانویه ۱۹۸۹ بطور خصوصی برای عده-ای از مدعوین ایرانی و خارجی در شهر "آترخت" هلند نمایش داده شده است.

مهمانان هتل آستوریا، ساخته رضی علامه زاده، نویسنده، سناریست و کارگردان سینما، پس از فیلم کوتاه "چند جمله ساده" و "آخرین بدردوبدا دکتر ساعدی" سومین کار این هنرمند برجسته ایرانی در تبعید است. این فیلم نگاه‌های زدریچه دوربین به گوشه‌های از پدیده تلخ و شرنگ‌گونه آوارگی و تبعید و رنج جانگناه "بساد یا رودیار" و "ره‌روسم" چنین "سفر" است. نگاه‌های گاه‌شا عرا نه، که با زتاب آن نمایش هنرمندانه و افشاگرانه، انسان دوستی‌های دروغین دولتهای امپریالیستی و نینتلاشی - هر چند ضعیف - در راستای روایت و بیان سینمایی پیام "حافظ"، که در بند بند وجود آوار و تبعیدی خانه‌دار است، پیامی که بگونه‌ای زیبا و روح‌نواز، جدا از اغزل حافظ، در ترانه‌ای برگرفته از اشعار مولوی نیز در تیتراژ فیلم و در محنه‌های دیگر، تیغ و ابر مرد مسک و قلب تماشاگر تبعیدی می‌خلد.

بی تردید، سنجش، تفسیر و سرانجام داری نهائی در باره فیلم مهمانان هتل آستوریا بر خوردی همه‌جانبه‌بین مجموعه‌ای طلبد، چرا که فیلم - سینما - تلویزیون و... بعنوان یک هنر ترکیبی و در زمره "تکامل یافته‌ترین و پیچیده‌ترین آنها" زوایای گوناگون فنی، هنری، سیاسی، اجتماعی و... ای را در بر میگیرد که نا دیده‌نگاشتن و یا مطلق کردن هر کدام از این زوایا، مانعی در دستیابی به داری و قضاوتی عینی و علمی خواهد شد. این نوشته کوتاه‌فاقد چنین ویژگی است و صرفاً از زاویه‌ای معینی به فیلم مینگرد.

نقد و داری پیرامون هر آنچه که در حیطه فنی، تکنیکی و در عرصه‌های هنری، و بطور کلی شیوه ساخت، سبک و فرم، مضامین، کمپوزیسیون، نور، میزانسن، حرکت دوربین، بازی هنرپیشه و... می‌کنند، می‌باید در پرتو دانش ضرور در رابطه با عرصه‌های گفته شده صورت گیرد. کاری که بویژه در عرصه فنی و تکنیکی، در محدوده توانایی و دانش نگارنده نیست و فقط می‌تواند در حد اظهار نظر ذوقی و سلیقه‌ای یک تماشاگر عادی باشد. آنهم تماشاگری که فقط یکبار فیلم را دیده است!

اما این نوشته، اساساً به سنجش و داری سیاسی و اجتماعی این فیلم نظر دارد و بی‌شک، آنهم به گونه‌ای کوتاه و گذرا، "نقد اجتماعی" این اثر است. بهمین دلیل نیز بیش از هر چیز، به سراغ رکن اساسی کار، یعنی داستان و اشارات احتمالی پیام سیاسی، اجتماعی و تاحدی اخلاقی آن می‌رویم. این نگاه، نقد و داری‌اش، از زاویه‌ای است که عناصر زیرپایه‌های نگارشی آن هستند:

- فیلمنا مه و مضمون آن مهم‌ترین رکن یک فیلم و در کل بیانیگر بعد اساسی ماهیت اشرنری است.



آقای ضیائی بیش از هر چیز نگران وضعیت دخترش است. پسرش بیشتر وقتش را در هتل و با مدیر هتل میگذراند، اما دخترش عنان گسیخته و بیش از هر چیز به قروفلر و لولین در میان مردها می اندیشد. او که دختری حدوداً بیست ساله می نماید با قاچاقچی که آنها را از کوه آورده میخواد بویوبا جوانک دیگری که همسرشان بوده را بطنه میگیرد. پدر و برادر معترض و نگرانند. دختر درواکنش به اعتراضات پسر، رفتار او را با خمینی مقایسه میکند!

آقای تقی و همسرش، در اندیشه فرزندان خود هستند و سخت ناراضی از وضعیت خودشان می نمایند. پوری و همسرش با لایحه را می هلند نمیروند. ضیائی و خانوادها منتظر روشن شدن تکلیفشان هستند. آقای تقی و عیالش هم، که در اندیشه بازگشت به ایران بودند در انجام علیرغم احساس خطر، راهی سفارت جمهوری اسلامی میشوند تا به ایران بیگردند. پلیس هلند، پوری و همسرش را به استانبول پس میفرستد و پلیس ترکیه که اکنون از راه بطنه پوری و مهندس با اطلاع است، دستگیرشان میکند. پوری برای رهایی خودش و شوهرش مجبور میشود با بازچیی ترک بخوابد. او با توجه به تا کید مترجم ایرانی پلیس ترکیه که به گفته خودش زمانی ساواکی بوده، ساوا مائی بوده، تن به اینکار میدهد. مترجم ایرانی برای آزمان برداشتن اندک نگرانی پوری و برای دلداری دادن به او میگوید، نگران نباشد "یک شب را با یک کمونیست خوابیدی، حالا یک شب هم با یک فاشیست بخواب".

پوری که حاصله شده است راهی آمریکا میشود، با این امید که تولد فرزندش در آنجا سبب ماندگاری او و پیوستن شوهرش به آنها شود. پوری نگران از اینکه نمی داند چه زکیست، و کمی دیرتر، افسرده از دریافت خبر اعدام مهندس محسنی که پلیس ترکیه تحویل جمهوری اسلامی داده بود، سرانجام در حین زایمان میمیرد. فرزندش زنده میماند اما قوانین آمریکا حتی برای نوزاد نیز دست و پا گیر است!

دوربین در بازگشت به هتل آستوریا، مراسم تبریک گوئی به شوهر پوری، بخاطر تولد فرزندش را نشان میدهد. در حالیکه او هنوز زمرگ پوری بی اطلاع است. آقای ضیائی کارش برای مهاجرت به کشور دلخواه درست شده اما مساله دخترش هنوز با برجاست. آدمهای جدیدی به هتل آمده اند که به نوعی ویژگی های برخی از آدمهای قبلی را نشان میدهند...

داستان فیلم، سرگذشت و سرنوشت جمعی از مهاجرین ایرانی، بویژه سرگذشت و سرنوشت یک زن (پوری) در مهاجرت است. در این داستان گوشه هایی از زندگی مهاجرت و تبعید به گونه ای برجسته و ارزشمند به تصویر کشیده میشود، که در این میان مشکلاتی که بسیاری از کشورها برای مهاجرین و پناهندگان ایجاد می کنند و نیز گوشه هایی از مشکلات زندگی مهاجر و سرنوشت تبعیدی در این کشورها، از برجسته ترین و ارزشمند ترین این گوشه ها است. آنها نمان هتل آستوریا، چهره

بیا هنری و سینمایی و چه در بعد سیاسی و اجتماعی، به گونه ای زیبا و موفق نقاب انسان دوستی "از چهره نظامی سرما به داری (هلند، آمریکا...)" بر میکشرد و کراهت و زشتی واقعی این چهره را، در بر خورده شخص با مساله مهاجرین و پناهندگان، نشان میدهد. اوچ این زیبایی و موفقیت را به هنگام نشان دادن سیمای واقعی پلیس فاشیست ترکیه بهتر میتوان دید...

اما فیلم، در روایت و بیان احساس و ندیشگی که مهاجر و تبعیدی در غربتی غریبانه نسبت به با رو دیا رخداد دارد، چه در بیان موضوعی و چه در بیان تصویری - منهای غزل و ترانه ای که موسیقی آریبا تکمیلش میکند و نیز تا حدودی مساله و با زیبایی زیبای آقای تقی و همسرش - موفق نیست. این عدم موفقیت در کناره بر خورده سطحی، و گاه نادانانه است. مقوله "مهاجرت و تبعید، فیلم را فاقد ارزش سیاسی و اجتماعی در حد انتظار ساخته است."

علل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مهاجرت و تبعید، بگونه ای همه جا نبه و در خور بیان نشده و به نمایش گذاشته نمی شود. شخصیت ها و پیرایه های انتخاب شده و روابط میان آنها، نمیتوانست راهی برای نشان دادن علل سیاسی و فرهنگی مهاجرت و تبعید باشد. از بدترین نوع پرسوناژها از بدترین نوع روابط میان آنها حکایت دارند، بگونه ای که پرسوناژها و روابط آنها، نمایی از دوام قعی مهاجر و تبعیدی و مهاجرت و تبعید، در وسیع ترین ابعاد خود، نیست. امری که از دیدگاه من، "هماننان هتل آستوریا" را در مجموع فاقد ارزش اجتماعی و سیاسی بالنده و موثر کرده است.

مهندس محسنی، نمایی از اکثریت سیاسی های تبعیدی نیست، رابطه اش با پوری جدا از زبیر پسا گذاشتن موازین اخلاقی ای که اکثریت سیاسی های جامعه ما، بویژه کمونیستها، به آنها پایبندند. با یید باشد، فاقد هر گونه ارزش روانشناختی و زیبایی شناختی بود، و حتی اگر دارای ارزش های روانشناختی و زیبایی شناختی باشد هم نمی بود. بیان سینمایی اش، جز نمایش گوشه هایی زیانمند و نا زیبا از واقعیت راه آورد دیگری نداشته و نخواهد داشت. آنها هم توجه به شرایط و ویژگی های فرهنگی جامعه ای که "مهندس محسنی" را میخواد هندبا مردم برای مردم آندست به بیانی انقلابی بر تنه ای تردید پس زمینه اندیشگی هنری و اجتماعی بیان و تصویر را بطنه میان مهندس و پوری برای این امر استوار است که "این پرسوناژها و روابط واقعی اندونمی باید از طرح آنها وحشت داشت". اما این چنین واقع گراشی "وبا زفرینی واقعیت، نمی تواند و نباید مورد قبول هنر و هنرمند مسئول، متعهد و جدانگردد و تنها شاگردا که باید بی تردید مهندس محسنی ها در میان انقلابیون و سیاسی های جامعه ما وجود دارند و همینطور پوری ها - که زنی آگاه و مصممی و علاقمند به شوهرش جلوه میگرد. نیز در میان زنان جامعه ما و مهاجرین و تبعیدیان وجود دارند و "بطنه" های آنچنانی نیز، اما اینها چند در مدوا قعیست وجودی مهاجر و تبعیدی و مهاجرت و تبعید است و آیا بیان سینمایی گوشه ای کوچک و نا زیبا از این

واقعیات بزرگ، سودمند و بالنده است، آنها هم از طریق سینما و فیلم که دیگر گونه ای نمایش حاشیه ای نیست و بهر حال بهر حال بهر حال ارتباطی با توده های وسیعی - بدون واسطه - ارتباط برقرار میکنند و سخت تا شیرگذا راست.

خانوادها ضیائی، بویژه دخترش، نیز نمایی از اکثریت مهاجرینی که بدلائل فرهنگی - اجتماعی محدود شدن آزادیهای فردی - راهی غربت شده اند نبود. چه در مهاجرین اینچنینی را محدودیت در عرق خوری، بزرگ کردن و... به مهاجرت گشا نداده است؟ وجه مقایسه در دنیا کی، دختر ضیائی میان پدر در هم شکسته و گاه او مانده اش با خمینی میکند، آنها هم بخاطر اعتراض پدر به بزرگ کردن ها...

حتی "لوطی گری" های "آقا و دادقا" قاجاری هم با زفرینی گوشه ای از واقعیت بودند که برای یافتن قاچاقچی ای این حد لوطی، می باید با "میکروسکوپ الکترونیک" در دل واقعیت به جستجو پرداخت!

آقای تقی و همسرش قوی ترین، سالم ترین و واقعی ترین نمایندگان بخشی از مهاجرین و تبعیدیان بودند. پدر و مادرها در صمیمی که فرزندانشان در زندان جمهوری اسلامی هستند و خود به دلیل فشارهای جمهوری اسلامی در راه بطنه با مسائل فرزندان گریخته اند. اما آنها هم دوری از فرزندانشان و وطن، و نیز تن دادن به خواری و زندگانی ای ناامید در آوارگی تحمل نمی کنند و علیرغم احتمال بروز خطر و مشکلات، از طریق مراجع به سفارت جمهوری اسلامی، راهی وطن میشوند...

در این فیلم جدا از بر خورده ناقص به مهاجرت و تبعید و مهاجرین و تبعیدیان، به نوعی مهاجرت و تبعیدی آئینده و بی چشم انداز نیز جلوه میکند. زایش و پایداری اگر هست، در دل طنزی سیاه و پرتفا دهنما پیش درمی آید و این اگر چه بلحاظ هنری زیبا و پیرایش با شادمانی فاشیستی و سیاسی بالنده است، تنها شاگردا و آوارهای درون فیلم (گاه میخندند اما در همان لحظه طعم تلخ و گس آوارگی را در وجودشان حس میکنند، زایش نوزادی را می بینند که نه تنها بیبا و دلگرم کننده نیست حتی بوی مرگ و زشتی نیز با خود دارد و نمایی فراوان از درهم شکستگی و اما ندگی، معجزه... تو گوئی تنها راه، بر سرای برانداختن "ره و رسم سفر" همان "گریه زار" است و پس آنچه چیزی جز مرگ و زشتی و و اما ندگی در بطن این مهاجرت و تبعید وجود ندارد!

اما جان کلام: فیلم در رابطه با بیان موفق، موثر و همه جا نبه موضوع مورد انتخاب، و آراش از ارزشهای سیاسی و اجتماعی در همان چارچوب موضوعی نمیتوان یک تولید فکری - فنی نه تنها در حسد انتظار نیست، بلکه در زمینه های نیز تا شیرات و پها مدهای منفی برجای خاوه گذاشت، بهر چه جلوه گردن زشتی های واقعیت زندگی و بویژه شخصیت پناهنده و مهاجر (با توجه به معیارهای ارزش های مورد قبول ما) فیلم را در خوشبختانه ترین حالت به سوی یک عینی گراشی بیطرفانه در نمایش گوشه های نا زیبای واقعیت - و در شرایط کنونی زیانمند - سوق داده است.

تنگنای محافظه کاران پس از انتخابات برلین

گروه بندی احزاب راست مدت ها است که در مقابل این مسئله قرار دارند: آدامه یارگیری از گرایشات در حال تضعیف محافظه کاران سه درجه معه آلمان ویا جلب و جذب اقشار در حال گسترش بلحاظ سیاسی میان نه رو و کمتر محافظه کار.

کردن مثل چند هزار نفر سربا ز ارتش آلمان بلحاظ سیاست داخلی بنفع محافظه کاران است اما در عین حال تناقضات درونی آنها را تشدید میکند و آن مهمترین دشمن آمریکا و سوئد دیربای وی در مورد گرایش اروپا ثبات به بیرون راندن محترمانه وی را برمی انگیزد. مشکل دیگر استهلاک دقیقاً در اینجا است، بنابراین محافظه کاران آلمان در جنبه

است. در همین مبارزه معین است که موضوع برجیدن موشک های برد کوتاه ویا مدرنیزه کردن آنها مستقیماً به آلمان ربط پیدا میکند. زیرا اولاً این موشکها اساساً در خاک آلمان مستقر هستند و ثانیاً سیاست تا کنونی دولت آلمان این بوده است که در دعوا بین دو جناح بورژوا - امپریالیستی در کنار واقع - گرایان و به نفع تشنج زدائی اتخاذ موضع کند.

آلمان فدرال در وضعیت ویژه قرار دارد، کشوری در مرکز اروپا، بسا موقعیتی استراتژیک و آنهم در شرایطی که نبرد بین واقع گرایان و طراحان یک جنگ سرد جدید در درون اردوی امپریالیزم... مغلوبه است... سیاست تا کنونی دولت آلمان این بوده است که در دعوا بین دو جناح بورژوا - امپریالیستی در کنار واقع گرایان و بین تشنج زدائی اتخاذ موضع بکند.

تناقض ملی و بین المللی گرفتار شده اند که از آن بسبب دولت نمی توان خلاصی یافت، بر بستر این تناقض و با توجه به ابعاد ملی و بین المللی آن است که رشد گرایشات فدا رچی، و نژادپرستانه و فاشیستی با بداریا بی شود، یکی از این جریانها بنام "اتحادیه مردم آلمان" تا کنون ۲۰ میلیون مارتک برای توزیع وسیع یک "نامه" با مواضع آشکار فدا رچی و نژادپرستانه خرج نموده است. آیین چنین فعالیت بی سابقه ای بعنوان اهرم فشار بر دولت آلمان برای گردن گذاشتن بر سیاستهای ناسودمورد مدرنیزه کردن تسلیحات نظامی بکار گرفته نشده است؟ و آیا جریانها جنگ طلب خواهان پس راندن قطنی دولت کهل و روی کار آوردن دولت محافظه کارتری نیستند؟ پاسخ سوالات فوق را تحولات آینده تعیین خواهند نمود.

بدون اینکه به اتحادی مابین نیز نظم و آرد آورده شود.

در "نشست فنون جنگ" در مونیخ که کمی قبل از انتخابات در برلین برگزار شد و در آن شمار بزرگی از طراحان سیاسی و نظامی متعلق به گرایشات مختلف اردوی امپریالیزم شرکت نمودند نیز این اختلاف برجسته شد. یک جناح به رهبری آمریکا - آنطور که وزرای دفاع و خارجه جدید این کشور اعلام کرده اند - بطور مشخص خواهان تداوم جنگ سرد و آدامه سیاست با جگیری از شوروی و فاشیسم را اقتصادی بر آن است.

گرایش دیگر شیوه معقول تری از مبارزه بر علیه سوسیالیزم را می پذیرد و افکار عمومی غرب به برکت دیپلماسی چالاک شوروی اکنون اساساً به این شیوه تمایل دارد، بنابراین در اینجا نیز بین بست محافظه کاران آلمان بخوبی خود می نماید؛ هرگونه تند کردن آتش جنگ سرد و حتی هرگونه بی عملی در قبال دیپلماسی شوروی تنبیهی جدی را به دنبال دارد. این حقیقت اکنون آنچنان بر پر و فرسورها و ژنرالهای دست راستی فشار آورده است که آنها نیز از دولت کهل خواهان خلع سلاح یکجانبه - و لیب محدود و نامیشی - هستند، بر آستی نیز مرخص

به سنای برلین بدون تردید مسئله ای محلی نیست، حتی مسئله ای منحصر به آلمان و قابل توضیح صرفاً با پارامترهای داخلی نیست.

بلحاظ داخلی گروه بندی احزاب راست - اتحادیه دموکراتیک مسیحی و اتحادیه سوسیال مسیحی - مدت ها است که در مقابل این مسئله قرار دارند: آدامه یارگیری از گرایشات در حال تضعیف نژادپرستانه، ناسیونالیستی، فدا رچی و شدت محافظه کاران سه درجه معه آلمان ویا فاشیسم گرفتن از این گرایشات و جذب و جلب اقشار در حال گسترش بلحاظ سیاسی میان نه و کمتر محافظه کار. پاسخ اتحادیه سوسیال مسیحی - مربوط به ایالت بایرن - به این مسئله، آدامه راه و روش قبلی، یعنی تکیه بر شیوه های عقب مانده، دهقانان محافظه کار ۱۰۰ است. حزب اخیر هنوز در آنچنان تنگنای قرار ندارد که لازم بداند مثل حزب برادرش (اتحادیه دموکرات مسیحی) خود را "مدرنیزه" کند و فعالیتات کیه زدن بر میراث ارتجاعی آنها و شش و اشتراوس را ترجیح میدهد، این ترجیح خود متشنج ترین کانون بحران در ائتلاف حاکم است، زیرا حزب سراسری اتحادیه دموکرات مسیحی در این بن بست گرفتار آمده است که اگر بیش از حد به راست بچرخد بیدار لیب رالها و از بخشی از آراء خود صرف نظر کند و اگر بیش از حد متوجه میان نه شود بیدار از حزب برادر و بخش دیگری از آراء چشم پوشد، هر دو پاسخ به این مسئله به معنای شکست ائتلاف حاکم می باشد، البته با بد توجه نمود که در شرایط عادی، گرایش بلطنی به "مدرنیزه شدن" و بنا بر این قاطعه گرفتن از سیاستهای فوق ارتجاعی و نژادپرستانه به علت اجباری اجتماعی، یعنی میراثی افسار محافظه کار سنتی، و تقویت گرایشات دموکراتیک در جامعه آلمان، گرایش غالب است و دبیر کل حزب آقای گایسلر چند سال است که این سیاست را طرح و دنبال مینماید، این اجبار به "بازی در میان نه" موردا اعتراض گرایشات راست تر درون حزب و نیز فوق مرتجعین بایرن می باشد. نظرات آنها این است: ناراضیان، بی مسکن ها و فقر زده ها را با شعارهای فدا رچی جذب کنید، از محافظه کاران و ناسیونالیست های افراطی آنها بی استفاده را از طریق دادن زدن به تبلیغات فدا رچی و نژادپرستانه بعمل آورید و بطور خلاصه آنان خواهان تعمیق قربانیا ن شوریه بخت و بی افق نظام سرمایه داری به شیوه فاشیستها و استفاده از آراء آنها برای ماندن در قدرت هستند اما بلحاظ بین المللی: آلمان فدرال در وضعیت ویژه ای قرار دارد، کشوری در مرکز اروپا، بسا موقعیتی استراتژیک و آنهم در شرایطی که نبرد بین واقع گرایان و طراحان یک جنگ سرد جدید در درون اردوی امپریالیزم در مورد مسئله خلع سلاح، مغلوبه

منتشر شده است:
طرح جدید اساسنامه

لبنان

● بدنبال حصول توافق بین شیعیان امل و حزب الله بر سر خودداری از درگیری مسلحانه که تاکنون به کرات از سوی طرفین نقض شده است، ظاهراً توافق دیگری نیز حاصل شده که بر طبق آن آدم ربائی و گروگان گیری در لبنان متوقف خواهد شد.

شیلی

● حزب اپوزیسیون دموکرات مسیحی شیلی آقای پاتریسیو آلویس رهبر این حزب را به عنوان کاندیدای زیباست جمهوری برای انتخاباتی که در ماه دسامبر سال جاری برگزار میشود انتخاب کرده است.

شوروی

● انتخابات شورای عالی اتحاد شوروی که در ماه مارس سال جاری صورت خواهد گرفت فعلاً لیست سیاسی وسیعی را در این کشور موجب شده است. تاکنون برای ۲۲۵۰ کرسی این شورا بیش از ۸۰۰۰ نفر کاندید شده اند، به علاوه مباحثات علنی در جلسات و در مطبوعات بین گرایشها مختلف جاری است.

برلین غربی

افشای انتخابات

● بدنبال پیروزی نسبی نشوفا شیتها که با نام جمهوریخواهان در انتخابات شهرداری برلین شرکت کرده و با اخذ ۲/۵ درصد رأی به مجلس این شهر راه یافتند کمیته ای مرکب از ۶ سازمان و تشکل خارجی مقیم برلین متشکل از ملیتهای آسیائی، اروپائی و آمریکائی لاتین اقدام به تشکیل یک کمیته مشترک نمودند. این کمیته با صدور اطلاعیه ای ماهیت ریاکارانه احزاب رسمی بورژوازی را که خراجیان را مسبب ناراضائی مردم و رشد فاشیسم میدانند افشاء نمود و خواستار حقوق مساوی برای خراجیان در انتخابات و وضع قوانین موثر ضد فاشیسم و قبول این واقعیت که آلمان کشوری است با تنوع فرهنگی گردید. از دیگر اقدامات این کمیته برگزینی تظاهرات ضد فاشیستی با شعارهای خراجیان باید بماند، فاشیستها را بیرون کنید و حق رای برای خراجیان در ۴ فوریه بوده است که جمعیت ایمن تظاهرات ده هزار نفری را ملیتهای خارجی و مخصوص ترکها تشکیل میدادند.

تشکیل کمیته ویژه رهبری برای اداره مورنا گورنی قره باغ

رشته های غیر تولیدی و توابخ آنها، مستقیماً زیر نظر "کمیته ویژه" فعالیت خواهد کرد. فعالیت دستا نیها و دادگاهها بر اساس قانون گذاری دادستانی کل اتحاد شوروی خواهد بود. "کمیته ویژه رهبری" میتوانند اختیارات نواحی، شهرها، روستاها، نمایندگان شوراهای خلق شهرکهای منطقه ناگورنی - قره باغ، مجریان و مسئولین ارگانهای آنها را مطلقاً نماید و برگزاری انتخابات مجدد را سازماندهی کند. همچنین تمام قوانین مفایر با قانونگذاری اتحاد شوروی را بحال تعلیق درآورد.

این بخشنامه که در حقیقت خلق بدکاران تمام ارگانهای منطقه خود مختار ناگورنی - قره باغ و سپردن آن بدست کمیته ای از طرف شورای عالی اتحاد شوروی است از ۲۰ ژانویه همین سال بسمه اجرا درآمده و جمهوری آذربایجان نیز موظف است بر اساس این بخشنامه تصمیمات لازم را اخذ نماید. این تصمیم شورای عالی اتحاد شوروی بیانگر آنست که مشکل ملیت ها که گاه گاه بعنوان یکی از معضلات اساسی جامعه شوروی بوده و راه حلهای تاکنونی نیز فاقد درجه پایخکوشی آن نبوده اند.

● در ادامه ناآرامیهای روزافزون در منطقه ناگورنی - قره باغ در جمهوری آذربایجان شوروی، بخشنامه ای ۷ ماده ای از سوی هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی مبنی بر شکل ویژه اداره امور در این منطقه صادر شد. این بخشنامه که به امضاء گورباچف بعنوان سخنگوی هیئت رئیسه و منتشر شیلی دبیر هیئت رئیسه می باشد، مقرر میکند که بخاطر وضعیت روزافزون اوضاع در این منطقه و بمنظور جلوگیری از تشدید روزافزون آن "کمیته ویژه رهبری" بریاست ولسکی برای اداره امور منطقه ناگورنی - قره باغ ایجاد میگردد. این کمیته ویژه اختیارات کامل شورای خلق و کمیته اجرایی آنرا در منطقه قره باغ داراست. بر اساس این بخشنامه اختیارات نمایندگان شورای خلق منطقه قره باغ و کمیته اجرایی آن انتخابات بعدی به حال تعلیق درمی آید. تمام موسسات، سازمانهای سراسری و محلی، شعبات آنها و دیگر تقسیم بندیهای ساختاری تابع "کمیته ویژه رهبری" می باشند. ارگانهای مطبوعات، رادیو و تلویزیون، دیگر رسانه های عمومی اطلاعاتی، موسسات چاپ و انتشار، صنایع چاپ، ارگانهای آموزشی و موسسات فرهنگی، آموزش، بهداشت و دیگر

پاراگوئه - آسانسیون

رسماً برای حفظ کشور و مبارزه با فاشیسم در حزب حاکم کلراً دوصورت گرفته است. ژنرال رودریگز وعده داده است که طی سه ماه انتخابات عمومی برای پارلمان و ریاست جمهوری برگزار کرده و با مصالحت حیات سیاسی کشور را لیبرالیزه کند.

● یک کودتای نظامی توسط ژنرال رودریگز مرد دوم رژیم نیمه فاشیستی، دیکتاتور این کشور آلفردو ستروسنر را سرنگون کرد. این کودتای خونین که بر طبق ادعای منابع دیپلماتیک غربی حدود ۳۰۰ کشته بجای گذاشت از سوی ژنرال کودتای

اخراج پناهندگان ایرانی را متوقف کنید!

STOPPA UTVISNINGEN AV DE IRANSKA
FLYKTINGARNA I SVERIGE!

تظاهرات

TID: LÖRD 4 MARS KL 11³⁰
PLATS: SERGELS TORG @ T-CENTRALEN

زمان: شنبه
مکان: استکهلم

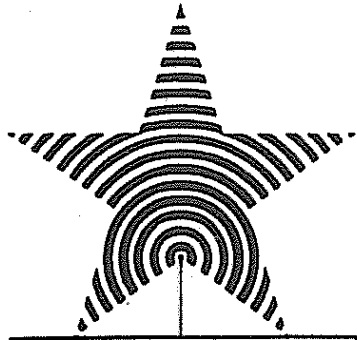
برگزارکننده: کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی - استکهلم

Försvarskommittén för de iranska flyktingarna i Sverige, Stockholm

با
پیام کارگر

همکاری کنید

و برای آن بنویسید!



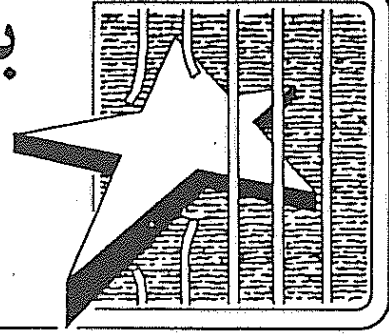
صدای کارگر

را برای سازمان کارگران انقلابی ایران آماده کارگرا

برای آزادی

زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!

در صفحه ۸



بمناسبت سالروز شهادت خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان

برنامه های سرتاسری صدای کارگر:

* هر روز ساعت ۱/۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش میگردد.

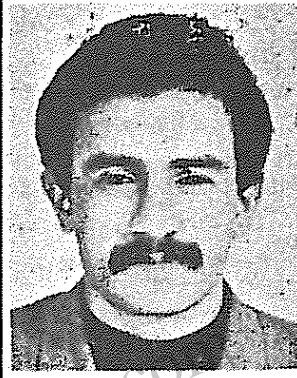
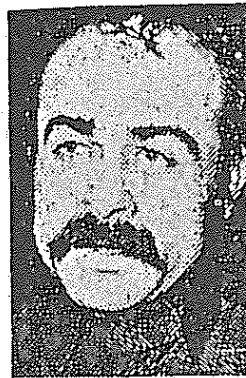
* این برنامه ساعت ۱/۸ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجدداً تکرار میشود.
* جمعه ها برنامه ویژه پخش میگردد.

* * *

برنامه های صدای کارگرو ویژه کردستان:

* روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر بیزبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.

* جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.



سرایندگان "سرود پیوستن"

این سرزمین من چه بی دریغ بود
که سایه مطبوع خویش را
برشانه های دولتکتاب پهن کرد
و با خواب میان عطن سوخت
و از شانه ها طناب گذر کرد.
این سرزمین من چه بی دریغ بود،
شکل زمین کجاست؟
من در کجای زمین ایستاده ام؟

با باری زفریادهای خفته و خونین

ای سرزمین من!

من در کجای جهان ایستاده ام!

این فقط یک شعر نیست، حتی شعری که خود را
ما هر آنه به "شعار" پیوند داده، نیست، این چند
سطر، فشرده، دفا عیات خسرو گلسرخی و کرامت
دانشیان است که از زبان خسرو باطنینی بلنددر
بیدار دگا و رژیم شاه خوانده شد.

اکنون ۱۵ سال از اعدام این دوا انقلابی
کمونیست میگذرد، دوفرزانه ای که پس از سالها،
ناشان هنوز آذین بخش پرچم مبارزات خلقی
مقاومت است، هر دو هنرمند نبودند، کرامت دست اندر
کار سینما بود و بطور پیراکننده شعر هم میسرود، خسرو با
وصف آنکه، مرگش مهلت نداد تا زندگی شعری و هنری
اش را پی گیرد، اما آثار محدودش نشان میدهد که
توانایی این را داشته که تما و پیرا عرا نه را بسا
مفاهیم اجتماعی آنگونه پیوند دهد که از شعرش، سلاجی
بما زده رجعت "پیوستن"، مبارزه و انقلاب، و بدینسان
به یکی از طلابه داران شعر مقاومت تبدیل شود.
او با زبانی ساده و آغشته به غنای شاعرانه، زمانی
که رویش را آغا ز کرد که طرفداران "شعرو هنرنسب"
هر نوع ادبیات توده ای، ادبیاتی با شرکت و
خواست توده ها "را با ما رگ" شعار "بودن، مورد حمله
قرار میدادند. ولی او در جواب این "هنرمندان بی
آزار" میگفت: "تو ما این "ارزشهای والای هنری"
را ما به زیاده دادن تاریخ می سپاریم، چگونه آیا
با پدید آمدن وفا مله ها در افتادیا نه؟ این مورد
سوال ما است."
خسرو در شعرش شاعر رزمی داد، بلکه شعار را

با پرداخت نا عرا نه، به سطح شعر میرساند، و اینجا و
آنجا این پیوند را آنچنان زیبا و ویژه برقرار
میکرد که بجرات میتوان گفت، هیچیک از شاعران
هم عقیده و هم زمانش اینچنین نسروده اند:

برگردن تو سرومی آویزم / تا سرافرازی ز سر
بیا موزی - با یه جوادیه برپیل بنا شود / بل / ایسن
شانه های ما - خورشید در پشت پلکهای من اعدام
میشود. ...

تحلیل زندگی هنری، شعری خسرو را بی
کوتاه نمی گنجد، اما به این نکته با یداشا ره کرد
که، شعرا و بخشی از تاریخ شعر مقاومت ایران
است، همانگونه که مرگ سرخ را فرا موش نکرده ایم،
نبا یدمقا و مجا یگانه هنری او را هم زیاد بپریم.

زندگی، مبارزه و مرگ رفقا خسرو گلسرخی و
کرامت دانشیان آنچنان به یکدیگر پیوند خورده که
نا میکی، جدای از دیگری، در انسان احساس نوعی
خلافه و کمبود را برمی انگیزد، ایستادگی جانانه
آن دو در برابر بریدار دگا و رژیم شاه روشن ترین گواه
این پیوستگی است. خسرو میگوید: "من برای جانم
چانه نمی زدم، چرا که فرزند خلقی مبارز و دلاور هستم"
و کرامت با شامتی ستایش برانگیز جایی دفاع
از خود به تاشید مبارزه مسلحانه علیه رژیم می -
پردازد. آنها هر دو سرایندگان "سرود پیوستن"، مبارزه
مقاومت و "مرگ ایستاده" بودند.

با داین رفقا در "قلب ما، که سرود و پرچم"
ماست، همواره زنده است.

* به نقل از گفتار "ادبیات و توده": خسرو
گلسرخی

برای سفارش یا ارسال
آدرس: تهران، خیابان...
تلفن: ۷۹۰۲۰۰ - ۷۹۰۲۰۱
ساعات: ...
سرایشی از داخل کشور با این شماره
تلفن سفارش گرفته شود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE
POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY